

مرورنامه آزمون آزمایشی خلی سبز

سال تحصیلی ۱۴۰۴-۰۵



مرحله سوم

پایه یازدهم

این مرورنامه، ویژهٔ مباحث جدید آزمون است. مرورنامهٔ مباحثی که در آزمون‌های قبل به آن‌ها پرداخته شده، در پنل کاربری شما قابل دریافت است و در این فایل از تکرار آن پرهیز شده است.

نام درس	مباحث	مؤلف	ویراستار	از صفحه	تا صفحه
ریاضی و آمار	دهم: فصل دوم (درس ۴) و فصل سوم صفحه ۶۳ تا ۹۸ یازدهم: فصل اول (درس ۱) صفحه ۱ تا ۱۱	علی شهرابی	محسن فراهانی - بردیا نصیری معراج صالحی نژاد ماهان فنی فر	۲	۶
زبان و ادبیات فارسی	دهم: درس ۷ تا ۹ و کارگاه تحلیل فصل سوم صفحه ۵۹ تا ۷۸ یازدهم: درس ۱ و ۲ صفحه ۱۰ تا ۲۵	علیرضا نعمتی	زهرا صادقی مالواجردی معراج صالحی نژاد	۷	۱۰
روان‌شناسی	درس ۱ صفحه ۸ تا ۳۳	سیده ضحی سکاکي	سعید ستوده مهر محمدحسین غلامی معراج صالحی نژاد	۱۰	۱۱
عربی	دهم: درس ۵ و ۶ صفحه ۶۷ تا ۹۲ یازدهم: درس ۱ (تا ابتدای تمرین) صفحه ۱ تا ۱۰	آریا ذوقی	مریم آقایاری محمدحسین غلامی معراج صالحی نژاد	۱۱	۱۴
فلسفه و منطق	دهم: درس ۷ و ۸ صفحه ۶۲ تا ۸۲ یازدهم: درس ۱ و ۲ صفحه ۱ تا ۱۸	مجید پیرحسینلو	شبیر قنبری محمدحسین غلامی معراج صالحی نژاد	۱۴	۲۰
اقتصاد	درس ۸ تا ۱۱ صفحه ۸۱ تا ۱۲۸	سارا شریفی	کوثر رعدی محمدحسین غلامی معراج صالحی نژاد	۲۰	۳۱

ویژه یازدهمی‌های ۱۴۰۴





ریاضی و آمار دهم

تابع درجه دو (سهمی)

۱ فرم کلی معادله سهمی به شکل $f(x) = ax^2 + bx + c$ با شرط $a \neq 0$ است.

۲ نکات اولیه سهمی:

شکل سهمی	مختصات رأس	محور تقارن	max یا min	برد
	$(-\frac{b}{2a}, -\frac{\Delta}{4a})$ یا $f(-\frac{b}{2a})$	$x = -\frac{b}{2a}$	$\min = -\frac{\Delta}{4a}$	$[\frac{-\Delta}{4a}, +\infty)$
	$(-\frac{b}{2a}, -\frac{\Delta}{4a})$ یا $f(-\frac{b}{2a})$	$x = -\frac{b}{2a}$	$\max = -\frac{\Delta}{4a}$	$(-\infty, -\frac{\Delta}{4a}]$

۳ علامت ضرایب a, b, c و Δ در سهمی $y = ax^2 + bx + c$

$$\Delta = b^2 - 4ac$$

علامت	چه جوری به دست می آید؟	دهانه سهمی	شیب خط مماس بر سهمی در نقطه برخوردش با محور y ها	عرض نقطه برخورد سهمی با محور y ها	تعداد نقاط برخورد سهمی با محور x ها
+					۲ برخورد
.		نمی شه!			در ۱ نقطه مماس
-					بدون برخورد



مرورنامه آزمون آزمایشی خیلی سبز

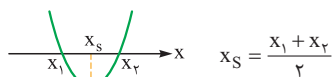
ریاضی و آمار

۴ در سهمی به معادله $y = a(x - \alpha)^2 + \beta$ ، نقطه (α, β) رأس سهمی است.

مثلاً در سهمی $y = 2(x + 7)^2 + 5$ ، نقطه $(-7, 5)$ رأس سهمی است.

۵ میانگین طول نقاط برخورد سهمی با محور X ها، همان طول رأس است.

۶ نوشتن معادله سهمی در چند حالت خاص:



چیزهایی که داریم	ضابطه سهمی	نکته تکمیلی
۱ سهمی در x_1 و x_2 ، محور X ها را قطع کند	$y = a(x - x_1)(x - x_2)$	برای محاسبه a ، یک نقطه دیگر را در معادله سهمی صدق می‌دهیم.
۲ نقطه (x_s, y_s) رأس سهمی است.	$y = a(x - x_s)^2 + y_s$	برای محاسبه a ، یک نقطه دیگر را در معادله سهمی صدق می‌دهیم.
۳ سهمی در نقطه $(x_1, 0)$ بر محور X مماس است.	$y = a(x - x_1)^2$	برای محاسبه a ، یک نقطه دیگر را در معادله سهمی صدق می‌دهیم.
۴ سه نقطه از سهمی	$y = ax^2 + bx + c$	با حل سه معادله سه مجهول، ضرایب را پیدا می‌کنیم.

۷ محاسبه بیشترین یا کمترین مقدار یک عبارت درجه‌دو (روش کلی) با یک مثال:

فرض کنید مجموع دو برابر عددی با سه برابر عدد دیگری ۱۲ است. بیشترین مقدار حاصل ضرب این دو عدد چقدر است؟

$$2x + 3y = 12$$

$$3y = -2x + 12 \xrightarrow{+3} y = -\frac{2}{3}x + 4$$

$$x \cdot y = x \left(-\frac{2}{3}x + 4 \right) = -\frac{2}{3}x^2 + 4x + 0$$

$\downarrow$ a

گام سوم: حاصل ضرب x و y را تشکیل می‌دهیم:

$$\max = -\frac{\Delta}{4a} = -\frac{4^2 - 4 \left(-\frac{2}{3} \right) (0)}{4 \left(-\frac{2}{3} \right)} = \frac{16}{\frac{8}{3}} = 6$$

گام چهارم: برای به دست آوردن $\max$ عبارت بالا، کافی است $-\frac{\Delta}{4a}$ را تشکیل دهیم:

۸ محاسبه بیشترین یا کمترین مقدار یک عبارت درجه‌دو (روش سریع) با یک مثال:

● اگر $ax + by = c$ باشد (به شرط $ab > 0$)، زمانی xy ماکزیمم می‌شود که ax و by هر دو برابر با نصف c باشند:

$$\left. \begin{array}{l} ax = \frac{c}{2} \Rightarrow x = \frac{c}{2a} \\ by = \frac{c}{2} \Rightarrow y = \frac{c}{2b} \end{array} \right\} \Rightarrow xy = \frac{c}{2a} \times \frac{c}{2b} = \frac{c^2}{4ab}$$

$\downarrow$ بیشترین مقدار xy

● مثلاً اگر $2x + 3y = 12$ باشد و ما ماکزیمم xy را بخواهیم، باید $2x$ و $3y$ برابر با $\frac{12}{2}$ یعنی ۶ باشند:

$$\frac{2x}{2} + \frac{3y}{3} = 12 \Rightarrow \begin{cases} 2x = 6 \Rightarrow x = 3 \\ 3y = 6 \Rightarrow y = 2 \end{cases} \xrightarrow{xy \text{ ماکزیمم}} xy = 3 \times 2 = 6$$

– بازاریابی –

۱ در بازاریابی با ۳ تابع کار داریم: تابع درآمد، تابع هزینه و تابع سود

$\underbrace{\quad}_{P(x)} \quad \underbrace{\quad}_{C(x)} \quad \underbrace{\quad}_{R(x)}$

۲ اگر سؤال یکی از توابع درآمد و هزینه را نداده بود، آن‌ها را به کمک روابط زیر پیدا می‌کنیم:

تابع درآمد	قیمت هر کالا $\times$ تعداد کالا = درآمد	$R(x) = x \cdot p$ $\uparrow$ قیمت $\downarrow$ تعداد
تابع هزینه	(هزینه هر کالا $\times$ تعداد کالا) + هزینه ثابت = کل	$C(x) = ax + b$ $\uparrow$ هزینه هر کالا $\downarrow$ هزینه ثابت $\downarrow$ تعداد



مرورنامه آزمون آزمایشی خیلی سبز

ریاضی و آمار

$$P(x) = \underbrace{R(x)}_{\text{سود}} - \underbrace{C(x)}_{\text{هزینه}}$$

۳ رابطه بین ۳ تابع:

۴ در سؤالات ما، تابع سود یک تابع درجه دو با $a < 0$ است که ماکزیمم سود به ازای فروش $-\frac{b}{2a}$ کالا به دست می آید و مقدار ماکزیمم سود برابر با $P(-\frac{b}{2a})$ یا $-\frac{\Delta}{4a}$ است.

۵ نقطه سربه سر: تعداد کالایی که به ازای آن مقدار از فروش، هزینه و درآمد برابر می شود یا به عبارتی تا آن جا یربیر کرده ایم. از حل یکی از دو معادله روبه رو، نقطه سربه سر به دست می آید:

$$\begin{cases} R(x) = C(x) \\ P(x) = 0 \end{cases}$$

درآمد هزینه سود

فصل سه

۱- حفظیات

اصطلاح	تعریف
۱ داده	واقعیت هایی درباره یک چیزند که در محاسبه، استنباط یا برنامه ریزی به کار می روند.
۲ واحد آماری	هر یک از افراد یا چیزهایی که داده های مربوط به آنها در یک بررسی آماری گردآوری می شود.
۳ جامعه آماری	مجموعه کل واحدهای آماری
۴ نمونه	هر زیرمجموعه از جامعه آماری که با روش مشخصی انتخاب شده باشد.
۵ نمونه تصادفی	نمونه ای که در آن، همه اعضای جامعه، شانس انتخاب یکسانی دارند.
۶ سرشماری	مطالعه همه اعضای جامعه (نمونه = جامعه)
۷ مشکلات سرشماری	(۱ هزینه زیاد (۲ زمان بر (۳ خطای بیشتر در گردآوری داده ها (۴ عدم امکان استفاده در داده های مخرب
۸ آمارگیری	گردآوری داده ها به یکی از روش های ممکن
۹ آمارگیر	کسی که آمارگیری می کند.
۱۰ متغیر	هر ویژگی از اشخاص یا اشیاء که قرار است بررسی شود.
۱۱ پارامتر جامعه	یک مشخصه عددی که جنبه خاصی از جامعه را توصیف می کند. (ثابت است.)
۱۲ آماره نمونه	یک مشخصه عددی که جنبه خاصی از نمونه را توصیف می کند. (متغیر است.)
۱۳ آمار	مطالعه نحوه گردآوری، سازمان دهی، تحلیل و تفسیر داده ها برای استخراج اطلاعات و تصمیم گیری
۱۴ مشاهده (نقطه آماری)	مجموعه ای شامل یک یا چند مقدار اندازه گیری شده برای یک عضو جامعه آماری واحد آماری

۲- روش های جمع آوری داده ها

روش	تعریف	مشکل
مشاهده	گردآوری داده ها بدون نیاز به فرد پاسخگو	دقت کم
پرسش نامه	مجموعه سؤالات از پیش تعیین شده که توسط تعدادی پاسخگو تکمیل می شود.	اگر تعداد نمونه زیاد باشد، زمان بر است.
مصاحبه	بین دو نفر (مصاحبه گر و مصاحبه شونده) انجام می شود.	
دادگان ها	استفاده از اطلاعات ذخیره شده	همیشه اطلاعات ثبتی در اختیار نیست.

۳- متغیرها

تعریف	هر ویژگی از اشخاص یا اشیاء که قرار است بررسی شود.
انواع متغیر	- کمی: مقادیر عددی می گیرد و برای آن عملیات ریاضی (جمع، تفریق و معدل گیری) قابل انجام است. - کیفی: صرفاً برای دسته بندی افراد یا اشیاء در گروه ها به کار می رود و لزوماً مقدار عددی نمی گیرد.



مرورنامه آزمون آزمایشی خیلی سبز

ریاضی و آمار

مقیاس متغیرها	کمی	نسبتی	● اغلب متغیرهای فیزیکی ● صفر به معنی نبودن ویژگی است.
		فاصله‌ای	● به خاطر استفاده از لوازم دقیق، ویژگی افراد یا اشیاء به دقت اندازه‌گیری می‌شود. ● صفر، قراردادی است.
	کیفی	ترتیبی	● با استفاده از الفاظ، ضمن ایجاد تفکیک، بین افراد و اشیاء، ارجحیت نیز قائل می‌شود.
		اسمی	● شامل نام‌ها، برجسب‌ها و گروه‌هاست، ولی ترتیب در آن‌ها وجود ندارد.

۴- جدول برای تشخیص مقیاس متغیرها

مثال	قابل مرتب کردن است.	اختلاف بین مقادیر داده‌ها معنی دارد؟	نسبت بین مقادیر داده‌ها معنی دارد؟	نسبتی	کمی
وزن، قد، مدت زمان کلاس	✓	✓	✓		
دما، ساعت شروع کلاس	✓	✓	×		فاصله‌ای
رتبه کنکور، مراحل تحصیلی	✓	×	×		ترتیبی
رنگ ماشین، اسم افراد	×	×	×		اسمی

۵- معیارهای گرایش به مرکز و پراکندگی

اسم معیار	نماد	فرمول به فارسی	فرمول به ریاضی (یا مثال)
میانگین	$\bar{x}$	مجموع تعداد = میانگین	$\bar{x} = \frac{x_1 + x_2 + \dots + x_n}{n}$
میانگین موزون	$\bar{x}_w$	= میانگین موزون مجموع حاصل ضرب هر داده در فراوانی‌اش مجموع فراوانی‌ها	$\bar{x}_w = \frac{f_1 x_1 + f_2 x_2 + \dots + f_n x_n}{f_1 + f_2 + \dots + f_n}$
میانه	Q_p	تعداد داده‌ها فرد باشد ← داده وسطی	داده $(\frac{n+1}{2})$ ام
		تعداد داده‌ها زوج باشد ← میانگین دو داده وسطی	میانگین داده $(\frac{n}{2})$ ام و $(\frac{n}{2} + 1)$ ام
مد		داده‌ای که بیشترین فراوانی (تکرار) را دارد.	$4, 10 \rightarrow 4, 7, 5, 10, 10, 16$ مثال
دامنه تغییرات	R	اختلاف بزرگ‌ترین و کوچک‌ترین داده	$R = \max - \min$

۶- نکات معیارهای گرایش به مرکز و پراکندگی

۱	اگر تعدادی داده به داده‌هایمان اضافه یا کم کنیم که میانگینشان با میانگین داده‌های اولیه یکسان باشد، میانگین تغییری نمی‌کند.
۲	مجموع انحراف (اختلاف) داده‌ها از میانگین صفر است: $(x_1 - \bar{x}) + (x_2 - \bar{x}) + \dots + (x_n - \bar{x}) = 0$

۷- معیارهای گرایش به مرکز و پراکندگی

اسم معیار	نماد	فرمول به فارسی	فرمول به ریاضی (یا مثال)
چارک اول	Q_1	میانه نیمه اول داده‌ها	نیمه اول: ۲, ۳, ۵, ۸, ۱۰, ۱۴, ۱۹, ۲۵, ۳۰ نیمه دوم: ۱۴, ۱۹, ۲۵, ۳۰ مثال: $Q_1 = 4$, $Q_2 = 10$, $Q_3 = 22$
چارک سوم	Q_3	میانه نیمه دوم داده‌ها	



مرورنامه آزمون آزمایشی خیلی سبز

ریاضی و آمار

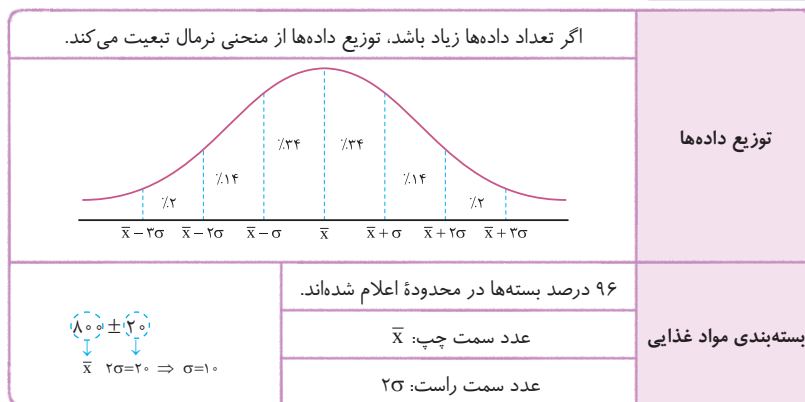
اسم معیار	نماد	فرمول به فارسی	فرمول به ریاضی (یا مثال)
واریانس	σ^2	مجموع مربعات اختلاف داده‌ها از میانگین تعداد	$\sigma^2 = \frac{(x_1 - \bar{x})^2 + (x_2 - \bar{x})^2 + \dots + (x_n - \bar{x})^2}{n}$
انحراف معیار	σ	واریانس = $\sqrt{\text{واریانس}}$	$\sigma = \sqrt{\frac{(x_1 - \bar{x})^2 + (x_2 - \bar{x})^2 + \dots + (x_n - \bar{x})^2}{n}}$
دامنه میان چارگی	IQR	چارک اول - چارک سوم = دامنه میان چارگی	$IQR = Q_3 - Q_1$

معیارهای پراکندگی

۸- نکات معیارهای گرایش به مرکز و پراکندگی -

۱	اگر داده‌ها با هم برابر باشند، تمام معیارهای پراکندگی (یعنی R ، σ ، σ^2 و IQR) صفر می‌شوند و برعکس.
۲	اگر داده دورافتاده داشتیم، سراغ میانه و دامنه میان چارگی می‌رویم. (سراغ میانگین، انحراف معیار و واریانس نمی‌رویم).

۹- منحنی نرمال (خم بهنجار) -



ریاضی و آمار یازدهم: منطق و گزاره

گزاره	بیان ریاضی	بیان فارسی
شرطی	$p \Rightarrow q$	اگر p آن‌گاه q
		p نتیجه می‌دهد q را

۱ جدول ارزش گذاری دو گزاره مرکب اصلی:

شرطی	
p	q
T	T
T	F
F	T
F	F

۲ یک جمله مهم در مورد هر کدام از گزاره‌های مرکب:

گزاره شرطی $p \Rightarrow q$ فقط زمانی نادرست است که p (مقدم) درست و q (تالی) نادرست باشد.

۳ قوانین مهم جبر گزاره‌ها را که باید بلد باشیم در جدول زیر آورده‌ایم:

اسم قانون	فرم ریاضی
۱ تبدیل شرطی به فصلی	$p \Rightarrow q \equiv \sim p \vee q$
۲ عکس نقیض گزاره شرطی	$p \Rightarrow q \equiv \sim q \Rightarrow \sim p$



علوم و فنون ادبی دهم: درس ۷ سبک و سبک‌شناسی (سبک خراسانی)

● به مجموعه ویژگی‌هایی که شاعر یا نویسنده در نحوه بیان اندیشه بکار می‌گیرد، سبک شعری می‌گویند.

طبقه‌بندی سبک شعر براساس نظریه ارسطو:

- ۱ نام شاعر یا نویسنده: سبک فردوسی، سبک بیهقی
- ۲ براساس زمان و دوره اثر: سبک دوره غزنوی، سبک دوره مشروطه.
- ۳ براساس موضوع و نوع: سبک عرفانی، سبک حماسی.
- ۴ براساس محیط جغرافیایی: سبک آذربایجانی، سبک خراسانی.
- ۵ به تناسب مخاطب: سبک عامیانه، سبک عالمانه
- ۶ براساس هدف: سبک تعلیمی، سبک فکاهی.
- ۷ براساس قلمرو دانش: سبک علمی، فلسفی.

طبقه‌بندی سبک شعر فارسی براساس حوزه جغرافیایی و تاریخی: (طبق تقسیم‌بندی محمدتقی بهار)

- ۱ سبک خراسانی یا ترکستانی (از آغاز شعر فارسی تا قرن ششم)
- ۲ سبک عراقی (از ششم تا دهم)
- ۳ سبک هندی (از دهم تا سیزدهم)
- ۴ دوره بازگشت (در تمام طول قرن سیزدهم)
- ۵ دوره مشروطه
- ۶ دوره معاصر

بر بنیاد این تقسیم‌بندی و با توجه به دوره‌های تاریخی، نثر فارسی هم در شش رده طبقه‌بندی می‌شود:

- ۱ دوره سامانی (۳۰۰ تا ۴۵۰ ه. ق)
- ۲ دوره غزنوی و سلجوقی اول (۴۵۰ تا ۵۵۰ ه. ق)
- ۳ سلجوقی دوم و خوارزمشاهیان، نثر فنی (۵۵۰ تا ۶۱۶ ه. ق)
- ۴ دوره سبک عراقی، نثر مصنوع (۶۰۰ تا ۱۲۰۰ ه. ق)
- ۵ دوره بازگشت ادبی (۱۲۰۰ تا ۱۳۰۰ ه. ق)
- ۶ دوره ساده‌نویسی (۱۳۰۰ ه. ق تا امروز)

شعر -

- ۱ نخستین آثار نظم زبان فارسی بعد از اسلام ← ابتدا در سیستان و سپس در خراسان بزرگ پدید آمد.
- ۲ سبک خراسانی برحسب زمان به سه سبک فرعی تقسیم می‌شود ← سامانی، غزنوی، سلجوقی
- ۳ دوره سلجوقی را بینابین می‌نامند، زیرا ویژگی‌های سبک عراقی در آن به چشم می‌خورد.

ویژگی‌های شعر خراسانی در ۳ قلمرو:

زبانی	(۱) سادگی زبان شعر (۲) کم‌بودن لغات عربی (۳) کم‌شدن لغات بیگانه (۴) تفاوت تلفظ برخی کلمات در مقایسه با زبان امروز (یک/هزار) (۵) کهنه و مهجور بودن کلمات (گیر/جوشن) (۶) استفاده از دو نشانه برای یک متمم
ادبی	(۱) قالب عمده شعر این دوره، قصیده است. (۲) شکل‌گرفتن قالب‌های مسمط، ترجیع‌بند و مثنوی. (۳) رشد قالب غزل در اواخر این دوره. (۴) استفاده از آرایه‌ها در حد اعتدال است. (۵) قافیه و ردیف بسیار ساده است. (۶) بیشتر تشبیه حسی استفاده می‌شود.
فکری	(۱) روح شادی و نشاط و خوش‌باشی. (۲) شعر واقع‌گراست. (۳) توصیفات ساده، طبیعی، محسوس و عینی. (۴) معشوق زمینی است. (۵) روح حماسه بر ادبیات این دوره حاکم است. (۶) اشعار پندآموز و اندرزگونه این دوره ساده است. (۷) مضمون عمده ← حماسه، مدح، اندرز. (۸) فکر و کلام ساده است.



– نثر –

ویژگی‌های دورهٔ سامانی:

۱) ایجاز و اختصار در لفظ و معنا ۲) تکرار فعل ۳) کوتاهی جملات ۴) لغات کم کاربرد فارسی ۵) بهره‌گیری کم از لغات عربی ۶) افزایش نشانه‌های جمع فارسی بر جمع عربی ۷) نثر این دوره بیشتر علمی است. ۸) گاهی نثرهای حماسی، تاریخی و دینی هم دیده می‌شود. از نمونه‌های این نثر: ترجمهٔ تفسیر طبری، تاریخ بلعمی، التفهیم، شاهنامهٔ منتور ابومنصوری.

ویژگی‌های دورهٔ غزنوی و سلجوقی:

۱) اطناب (جمله‌ها طولانی هستند). ۲) تمثیل و استشهاد به آیات، احادیث و اشعار. ۳) حذف افعال به قرینه ۴) افزایش کاربرد لغات عربی از نمونه‌های موفق این نثر: تاریخ بیهقی، قابوس‌نامه، سفرنامهٔ ناصر خسرو، سیاست‌نامه، کیمیای سعادت و کشف‌المحجوب.

نکات مهم

۱) محتوای عمدهٔ نثر دورهٔ سامانی، علمی است. ۲) سبک خراسانی = سبک سامانی = سبک ترکستانی ۳) تقسیم‌بندی ملک‌الشعرا در نثر براساس دورهٔ تاریخی است.

درس ۸: وزن شعر فارسی

وزن شعر نظمی است بر مبنای کمیت هجاها (یعنی بر پایهٔ چینش هماهنگ هجاهای کوتاه و بلند استوار است). عروض: علمی است که قواعد وزن شعر و طبقه‌بندی وزن‌ها را از جنبهٔ نظری و علمی تعیین می‌کند. مصراع: واحد وزن در شعر فارسی است. تقطیع: قطعه قطعه کردن شعر به ارکان عروضی و هجاها.

– خط عروضی و قوانین آن –

- همزهٔ آغاز یک هجا اگر تلفظ نشود، در خط عروض هم نباید نوشته شود ← «طاعت آن» باید «طاغتان» نوشته و خوانده شود.
- در خط عروضی باید حرکات (مصوت‌های کوتاه) گذاشته شود ← «من و او» باید «مَن و او» نوشته شود.
- حروفی که در خط هست اما به تلفظ در نمی‌آید، باید در خط عروضی حذف شود ← «هر چه بر نفس خویش» باید «هر چ بر نفس خیش» نوشته شود.
- حروف مشدد را دو بار می‌نویسیم ← «دژنده» باید «دژرنده» نوشته شود.

– تقطیع هجایی –

- مصراع‌ها را زیر هم می‌نویسیم. ۲) آن‌ها را به ارکان و سپس هجاها تقسیم می‌کنیم. ۳) در این تقسیم‌بندی، باید در هر خانه، فقط یک مصوت وجود داشته باشد.
- علامت هر هجا را زیر آن می‌نویسیم. ۵) وزن شعر را با توجه به چینش موجود پیدا می‌کنیم.

مثال سینه مالا مال درد است ای دروغا مرهمی دل ز تنهایی به جان آمد خدا را همدمی

۳) در هر خانه یک مصوت وجود دارد.

سی نِ ما لا	ما لِ درِ دس	تِ درِ ی غا	مَر هَ می
دل ز تن ها	یِ پِ جان آ	مَد خُ دا را	هَم دَ می
– – U –	– – U –	– – U –	– U –
فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعِلن

۴) علامت هر هجا

۵) وزن شعر

- برای پیدا کردن وزن شعر به شیوهٔ تقطیع هجایی، اول باید خوانش درست شعر اتفاق بیفتد. دوم، نوشتن شعر به خط عروضی است. سوم تقطیع هجایی است به همان روشی که ذکر شد. چهارم مشخص کردن پایه‌های آوایی طبق چینش هجاها و نام‌گذاری پایه‌های آوایی است. پس از نام‌گذاری، وزن شعر به دست می‌آید.
- برای پیدا کردن وزن شعر به شیوهٔ سمعی باید اول خوانش درست شعر اتفاق بیفتد. سپس به درنگ‌ها توجه شود. بعد از آن، باید ریتم بیت کشف شود. و در آخر تطبیق ریتم شعر با افاعیل (وزن واژه‌های شعر فارسی).

درس ۹: موازنه و ترصیع

موازنه: تقابل سجع‌های متوازن یا متوازی در دو یا چند جمله است که به هم‌آهنگی آن‌ها می‌انجامد. در واقع یعنی اگر دو مصراع یا جمله را زیر هم بنویسیم و واژه‌های آن‌ها دوباره روی هم قرار بگیرند، و با هم سجع متوازن یا متوازی داشته باشند، آرایهٔ موازنه داریم.

مثال

دل	به	امید	روی	او	همدم	جان	نمی‌شود
↓	↓	↓	↓	↓	↓	↓	↓
جان	به	هوای	کوی	او	خدمت	تن	نمی‌کند

سجع متوازن سجع متوازی



مرورنامه آزمون آزمایشی خیلی سبز

علوم و فنون ادبی

- این تقابل سجع‌ها افزایش‌دهنده موسیقی لفظی شعر است.
- ترصیع: همان موازنه است با این تفاوت که تمام سجع‌های آن متوازی است.

ای متور به تو نجوم جمال
ای مقرر به تو رسوم کمال

همه آنها با هم سجع متوازی دارند.

نکات دیگر:

- موازنه و ترصیع در نثر نیز اتفاق می‌افتد: در بدایت بند و چاه بود، در نهایت تخت و گاه بود.
- سجع مطرف موازنه یا ترصیع نمی‌سازد.
- ترصیع از موازنه موسیقایی‌تر است. (موسیقی بیشتری ایجاد می‌کند).
- اگر تمام کلمات با هم سجع متوازی داشتند و فقط یکی از آنها سجع متوازن داشت، باز هم موازنه حساب می‌شود. نه ترصیع!
- در موازنه می‌توانیم علاوه بر سجع متوازن، سجع متوازی هم داشته باشیم.

علوم و فنون ادبی یازدهم: درس ۲: پایه‌های آوایی

کلام منظوم یا شعر، پایه‌ها و پاره‌های آوایی موزون دارد. با خوانش درست شعر به درنگ منظم که بعد از هر دسته از هجاها وجود دارد، پی می‌بریم. پایه‌ها به گونه‌ای منظم چیده شده‌اند؛ آنها مانند آجرهایی هستند که در ساخت بنای شعر به کار می‌روند. وزن شعر حاصل چینش منظم این پایه‌های آوایی یا ارکان عروضی است.

یار مرا غار مرا عشق جگرخوار مرا یار تویی غار تویی خواجه نگه دار مرا (مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن)

یا	ر	م	ر	ا	غ	ر	م	ر	ا	ع	ش	ق	چ	گ	ر	خ	ر	م	ر	ا
یا	ر	ت	ی	غ	ر	ت	ی	خ	ا	چ	ن	گ	د	ر	م	ر	ا	ع	ش	ق
-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-

* هنگام تقطیع، هجای کشیده را معادل دو هجا حساب می‌کنیم. یک هجای بلند و یک هجای کوتاه. مثلاً هجای کشیده «یار» در این جا به دو هجای «یا» و «ر» تقسیم شده.

به هر کدام از این دسته‌های هجایی (مثل «یا ر م ر ا») پایه آوایی گفته می‌شود.

به عبارت دیگر، بیت بالا دارای ۸ پایه آوایی است و بعد از هر پایه آوایی درنگی وجود دارد. این درنگ‌ها مرز پایه آوایی را نشان می‌دهند.

نکته

هر مصراع می‌تواند از ۲، ۳ یا ۴ پایه آوایی تشکیل شود.

نکته

پایه‌های آوایی می‌توانند ۱ هجایی (مانند «فَع»)، ۲ هجایی (مانند «فَعْل»)، ۳ هجایی (مانند «فَعُولن») و ۴ هجایی باشند (مانند «فاعلاتن»).

نکته

زمانی ۲ مصراع هم‌وزن هستند که:

- تعداد هجاها یکی باشند.
- نوع هجاها (از لحاظ کوتاهی، بلندی) یکسان باشد و مقابل هم قرار گیرند.
- تعداد پایه‌های آوایی یکسان باشند.

نکته

گاهی ممکن است از آخرین پایه آوایی یک مصراع، یک تا سه هجا حذف شود.

نکته

اگر در یک هجای کشیده، نون ساکن بعد از مصوت بلند قرار بگیرد، هنگام تقطیع این هجای کشیده، بلند در نظر گرفته می‌شود (مثل نان، ران و ...)

۲ نمونه مثال:

هر که چیزی دوست دارد جان و دل بر وی گمارد هر که محرابش تو باشی، سر ز خلوت برنیارد

هر	ک	چ	ز	دو	ست	دا	رد	جا	ن	دل	بر	وی	گ	ما	رد
هر	ک	مح	را	بش	ت	با	شی	سر	ز	خل	وت	بر	ن	یا	رد
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-
فاعلاتن				فاعلاتن				فاعلاتن				فاعلاتن			



خدایا تو دانی که بر ما چه آمده؟ خدایا تو دانی که ما را چه می‌شد؟

خُ	دا	یا	تُ	دا	نی	ک	بَر	ما	چ	آ	قد
خُ	دا	یا	تُ	دا	نی	ک	ما	را	چ	می	شد
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-	-
فعولن			فعولن			فعولن			فعولن		

برخی از اوزان عروضی که در درس آمده و اگر حفظ باشید، برای تشخیص وزن شعرها کمک‌کننده است:

مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن	U-- / -U-- / -U-- / -U--
فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن	--U- / --U- / --U- / --U-
مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن	---U / ---U / ---U / ---U
فعولن فعولن فعولن فعولن	--U / --U / --U / --U
مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن	-UU- / -UU- / -UU- / -UU-
فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن	-U- / -U- / -U- / -U-
مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن	--U / --U / --U / --U
فعولن فعولن فعولن فعولن	-U / -U / -U / -U

روان‌شناسی

تعریف روان‌شناسی

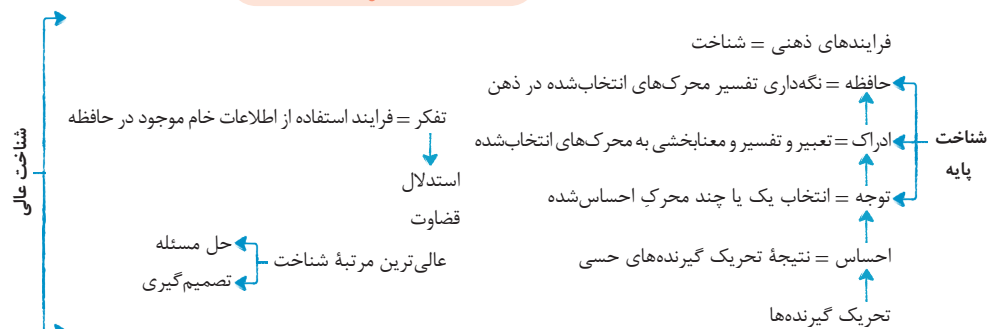
جامع‌ترین تعریف روان‌شناسی، علم مطالعه رفتار و فرایندهای ذهنی

رفتار	قابل مشاهده مستقیم است.
فرایند ذهنی	به صورت غیرمستقیم قابل مشاهده است. (از طریق آثار و کارکردها)

علت وجود تعاریف مختلف در روان‌شناسی -

گذشت زمان	تغییر در توصیف و تبیین‌های موجود در علم	نبود یک نظریه واحد یا دیدگاه منسجم
تغییر در مبانی و پیش‌فرض‌های علم		
تغییر در نیازهای فرهنگی و اجتماعی و زیستی		
افزایش اطلاعات در هر علم		

شناخت چیست؟



انواع پردازش - ادراکی: صرفاً مبتنی بر ویژگی‌های حسی؛ مانند اندازه و شکل ظاهری محرک است.

مفهومی: علاوه بر ویژگی‌های حسی، تحت تأثیر ویژگی‌های کیفی است.

پردازش مفهومی پایدارتر و کارآمدتر از پردازش ادراکی است.

روش های جمع آوری اطلاعات در روان شناسی

مشاهده	- مناسب برای توصیف موضوعات است. - برای بررسی رفتار انسان و حیوان به کار می رود. - باید اطلاعات را دقیق ثبت کرد و تا جای ممکن از تعصب یا پیش داوری ها به دور بود.
پرسش نامه	- وقتی اطلاعات را نمی توان با مشاهده مستقیم به دست آورد، به کار می رود. - باید دقیق و معتبر باشند.
مصاحبه	- وقتی نمی توان موضوعی را مشاهده کرد یا با پرسش نامه های از پیش تعیین شده مطالعه کرد، به کار می رود. - برخلاف گفت و گوی معمولی هدفمند و سازمان یافته است.
آزمون	- ابزاری برای کتی کردن (اندازه گیری) ویژگی های روان شناختی - باید دقیقاً چیزی را اندازه گیری کند که برای آن ساخته شده و باید در دفعات متعدد اجرا نمره یکسان یا تقریباً یکسانی بدهد. - استفاده از آن باید در کنار سایر روش ها و به دست افراد متخصص باشد.

عربی

عربی دهم: درس ۵

انواع جمله

- اسمیه ← مبتدا + خبر
- فعلیه ← فعل معلوم + فاعل + (مفعول)
- فعلیه مجهول + نائب فاعل

جمله اسمیه -

مبتدا

- اسمی است که معمولاً در ابتدای جمله به کار می رود.
- مرفوع است (ـَ، ـُ، ـِ، ان، ون)

خبر

- ممکن است بین مبتدا و خبر فاصله بیفتد و لزوماً پشت سرهم نیستند.
- اسم (مفرد) ← زمانی که یک اسم، معنای جمله را کامل می کند.
- مرفوع است.
- فقط یک کلمه است و نمی تواند گروه اسمی باشد.
- مثال: المُحاوَلَةُ أَهْمُ الْأُمُورِ لِلنَّجَاحِ خبر م.إلیه

نوع ۱

فعل (جمله فعلیه)

- زمانی که یک فعل، معنای جمله را کامل می کند.
- قبل از آن اسم نکره (غالباً) به کار نمی روند.
- موصولات (هیچ وقت)
- مثال ۱: التَّلْمِيزُ تَكَلَّمَ فِي الصَّفِّ حَوْلَ مَسْأَلَةٍ خبر
- مثال ۲: التَّلْمِيزُ الَّذِي تَكَلَّمَ حَوْلَ هَذِهِ الْمَسْأَلَةِ، صَدِيقِي خبر نیست
- مثال ۳: تَكَلَّمَ حَوْلَ هَذِهِ الْمَسْأَلَةِ، صَدِيقِي خبر نیست

نوع ۲

جاز و مجرور

- زمانی که یک جاز و مجرور، معنای جمله را کامل می کند.
- مثال: دَمَاوَنْدٌ مِنْ أَعْلَى الْجِبَالِ فِي آسِيَا خبر

نوع ۳

خبر مقدم

- گاهی خبر از نوع جاز و مجرور قبل از مبتدا به کار می رود.
- مثال: فِي مَكْتَبِنَا كُتُبٌ مُتَعَدَّةٌ خبر (مقدم) مبتدا (مؤخر)
- وقتی یک جمله با جاز و مجرور شروع می شود، سه احتمال وجود دارد:
 - جمله فعلیه باشد ← فِي الصَّفِّ يُدْرَسُ التَّلَامِيزُ
 - جمله اسمیه باشد و جاز و مجرور، خبر (مقدم) باشد. مثال: فِي الصَّفِّ تَلَامِيزٌ يَدْرُسُونَ خبر (مقدم) مبتدا
 - جمله اسمیه باشد و جاز و مجرور، خبر نباشد. مثال: فِي الصَّفِّ التَّلَامِيزُ يَدْرُسُونَ زائد مبتدا خبر



- اسم بعد از اسم اشاره
- «ال» نداشته باشد ← خبر است.
 - مثال: هذا تلميذ مُجِدِّ.
مبتدا خبر صفت
 - «ال» داشته باشد ← خبر نیست، بلکه وابسته اسم اشاره است.
 - مثال: هذا التلميذ مُجِدِّ.
مبتدا وابسته اسم اشاره

— جمله فعلیه —

- هر فعل به تنهایی نشان دهنده یک جمله فعلیه است.
- روش تشخیص ← چه کسی + فعل؟ ← مثال: يغفر الله الذنوب.
فاعل ← چه چیزی + فعل؟ ← فاعل
- إعراب: مرفوع است.
- ویژگی‌ها ← از نظر جنس با فعل مطابقت می‌کند.
هیچ وقت قبل از فعل نمی‌آید.
- اسم ظاهر ← وقتی یک اسم بعد از فعل، فاعل باشد.
فقط در للغائب و للغائبة امکان پذیر است.
مثال: تدرس الطالبات في الصف.
فاعل
- ضمیر بارز ← شناسه انتهای فعل‌ها (به جز «ت»)
مثال: التَّالِبَاتُ يدرُسْنَ في الصَّفِّ.
فاعل
- انواع ← در فعل‌های بدون شناسه به شرطی که اسم ظاهری فاعلش نباشد.
ضمیر مستتر ← مثال: التَّالِبَةُ تدرُسُ في الصَّفِّ.
فاعل: هي مستتر
- نکات ← فقط یک کلمه است و نمی‌تواند گروه اسمی باشد.
مثال: تدرُسُ كُلُّ التَّالِبَاتِ في الصَّفِّ.
فاعل م.إليه
- اگر بعد از فعل، فاعل به کار رفته باشد، باید فعل را به شکل مفرد بیاوریم.
مثال: يدرسون التلاميذُ ❌
يدرُسُ التلاميذُ ✓
- روش تشخیص ← همان مفعول یا متمم فارسی (بدون حضور حرف جرّ)
إعراب: منصوب است (ـَ، ـِ، ـِیْنِ)
- مفعول ← فعل + ضمیر متصل ← شاهدگم
نکات ← فعل از نظر مفعول داشتن ← لازم ← مفعول ندارد.
متعدی ← مفعول دارد.
- نقش ضمیر متصل ← اسم + ضمیر ← مضاف‌إليه
فعل + ضمیر ← مفعول
حرف جرّ + ضمیر ← مجرور به حرف جرّ
- نقش ضمیر «نا» ← فعل غیر ماضی + نا ← حتماً مفعول
فعل ماضی + نا ← اگر شناسه فعل باشد ← فاعل (شاهدنا: دیدیم)
اگر شناسه فعل نباشد ← مفعول (شاهدنا: دید ما را)
- اسم + نا ← مضاف‌إليه
حرف جرّ + نا ← مجرور به حرف جرّ

درس ۶

- علامت آخرشان همیشه ثابت است و در جمله‌های مختلف تغییر نمی‌کند.
- مبنی
- ضمیرها
 - اسم‌های اشاره (به جز هذان، هذین، هاتان و هاتین)
 - اسم‌های استفهام (پرسشی)
 - بیشتر موصول‌ها (مَنْ - ما - الَّذِي ...)
 - همه فعل‌های ماضی
 - همه امرهای مخاطب
 - جمع‌های مؤنث مضارع (يذهبن، تذهبن)
- کلمات مبنی

مُعَرَّب ← علامت آخرشان در جمله‌های مختلف تغییر می‌کند.

نشانه‌هایی که با دیدنشان مطمئن می‌شویم که کلمه معرب است
 ← تنوین
 ← ال
 ← نشانه‌های مثنی

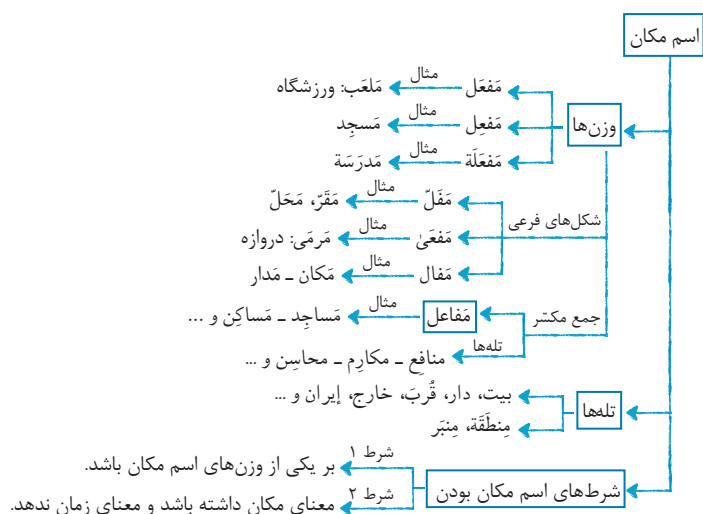
إعراب کلمه
 ← مرفوع
 ← مرفوع بالضمّة ← ءُ
 ← مرفوع بالألف ← اسم مثنی با «ان»
 ← مرفوع بالواو ← جمع مذکر سالم با «ون»
 ← منصوب
 ← منصوب بالفتحة ← ةُ
 ← اسم‌های مثنی و جمع مذکر سالم با «ین»
 ← مجرور
 ← مجرور بالكسرة ← ـِ
 ← اسم‌های مثنی و جمع مذکر سالم با «ین»

– اعراب نقش‌های معروف –

← فاعل ← مرفوع
 ← مفعول ← منصوب
 ← مبتدا ← مرفوع
 ← خبر ← مرفوع
 ← مضاف‌إلیه ← مجرور
 ← صفت ← تابع موصوف است.

عربی یازدهم: درسی ۱

اسم تفضیل
 ← تشخیص
 ← وزن
 ← أَفْعَل (برای مذکرها) ← مثال: أَكْبَرُ ← شکل‌های فرعی
 ← فُعْلَى (برای مؤنث‌ها) ← مثال: كُبْرَى، دُنْيَا
 ← أَفْعَل ← مثال: أَقَلُّ، أَحَبُّ
 ← أَفْعَى ← مثال: أَعْلَى، أَتَقَى
 ← جمع مكثر ← أَفَاعِل ← أَكَايِر ← تله ← أَمَاكِن، أَسَاوِر
 ← «أَفْعَل»هایی که فعل نیستند
 ← فعل‌ها ← مثال: «أَعْلَمُ» می‌دانم
 ← رنگ‌ها ← مثال: أَحْمَر - أَسْوَد - أَزْرَق و ...
 ← عیب‌ها ← مثال: «أَبْكَم: لال» - «أَعْمَى: نابینا»
 ← خیر / شَرّ
 ← معنی ۱: بهتر، بهترین / بدتر، بدترین ← اسم تفضیل ✓
 ← معنی ۲: خوبی / بدی ← اسم تفضیل ✗
 ← معنی ۳: خوب / بد ← اسم تفضیل ✗
 ← نکته: «الخیر» و «الشَرّ» (با «أل») اسم تفضیل نیستند!
 ← آخر / آخر
 ← آخر (أَخْرَ) ← اسم تفضیل ✓
 ← مؤنث ← آخری
 ← آخر (أَخْرَ) ← اسم تفضیل ✗
 ← مؤنث ← آخرَة
 ← ترجمه
 ← تر (معادل صفت برتری فارسی)
 ← ترین (معادل صفت عالی فارسی)
 ← مقایسه
 ← فقط بر وزن أَفْعَل (حتی برای مؤنث‌ها)
 ← کاربرد
 ← صفت
 ← برای مؤنث ← فُعْلَى ← مثال: الصَّديقةُ الْكُبْرَى
 ← برای مذکر ← أَفْعَل ← مثال: الصَّديقُ الْأكْبَرُ



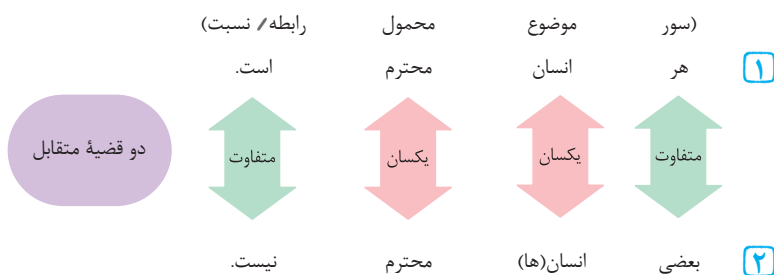
منطق

درس ۷: احکام قضایا

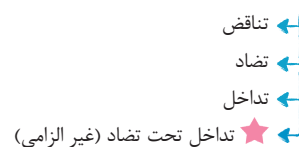
دو قضیه مقابل: دو قضیه محصوره دارای موضوع و محمول یکسان



مثال



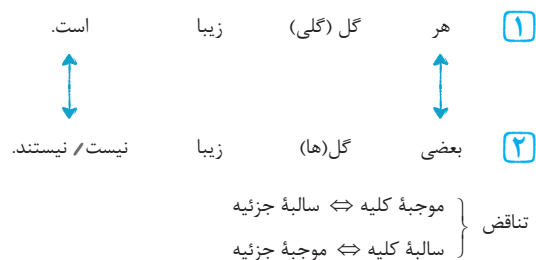
چهار نوع رابطه (دوبه دو) میان قضایای محصوره → مربع تقابل



- ۱- تناقض -

تفاوت دو قضیه (با موضوع و محمول یکسان) در کمیت (سور) و کیفیت (رابطه): دو قضیه متناقض: هر کدام نقیض دیگری

مثال



نحوه تشخیص صدق و کذب دو قضیه متناقض

- دو قضیه متناقض هم‌زمان با هم صادق نیستند. (اصطلاحاً اجتماع آن دو محال است).
پس: صدق هر کدام $\rightarrow$ کذب دیگری
 - دو قضیه متناقض هم‌زمان با هم کاذب نیستند. (اصطلاحاً ارتفاع آن دو محال است).
پس: کذب هر کدام $\rightarrow$ صدق دیگری
- مهم: اصل امتناع (محال بودن) اجتماع و ارتفاع دو نقیض [به اختصار: اصل امتناع تناقض]
- مادر قضایا (در فلسفه بسیار کاربرد دارد).



۲- تضاد -

تفاوت دو قضیه (با موضوع و محمول یکسان) فقط در کیفیت: دو قضیه متضاد

نکته

تضاد فقط میان دو قضیه کلیه است.

تضاد } موجبه کلیه $\leftrightarrow$ سالبه کلیه

- مثال**
- موجبه کلیه: هر کتابی مفید است.
 - سالبه کلیه: هیچ کتابی مفید نیست.
- نکته: هر / هیچ هر دو سور کلی هستند.

نحوه تشخیص صدق و کذب دو قضیه متضاد

- دو قضیه متضاد هم‌زمان با هم صادق نیستند. (اصطلاحاً اجتماع آن دو محال است).
پس: صدق هر کدام $\rightarrow$ کذب دیگری
- دو قضیه متضاد هم‌زمان می‌توانند با هم کاذب باشند. (اصطلاحاً ارتفاع آن دو جایز است).
پس: کذب هر کدام $\rightarrow$ نامعلوم بودن صدق یا کذب دیگری



۳- تداخل -

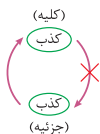
تفاوت دو قضیه (با موضوع و محمول یکسان) فقط در کمیت: دو قضیه متداخل [کیفیت یکسان]

تداخل } موجبه کلیه $\leftrightarrow$ موجبه جزئیه
 سالبه کلیه $\leftrightarrow$ سالبه جزئیه

- مثال**
- موجبه کلیه: هر کشوری پهناور است.
 - موجبه جزئیه: بعضی کشورها پهناور هستند.
 - سالبه کلیه: هیچ متکبری متواضع نیست.
 - سالبه جزئیه: بعضی متکبرها متواضع نیستند.

نحوه تشخیص صدق و کذب دو قضیه متداخل

- در صدق:** صدق قضیه کلیه $\rightarrow$ صدق قضیه جزئیه
- در کذب:** کذب قضیه جزئیه $\rightarrow$ کذب قضیه کلیه
- صدق قضیه جزئیه $\rightarrow$ نامعلوم بودن صدق یا کذب قضیه کلیه



نکته مهم

- مثال نقض:** نمونه‌ای که بتواند کلیت یک حکم کلی را از بین ببرد. یعنی نشان دهد یک قضیه کلیه (موجبه یا سالبه) صادق نیست. مثلاً اگر کسی بگوید: هیچ زنی رانندگی بلد نیست (سالبه کلیه) نشان دادن یک یا چند مورد از زنانی که رانندگان ماهری هستند برای این حکم کلی، آوردن مثال نقض است (و البته آن را نقض می‌کند و از کلیت و عمومیت می‌اندازد).
- مغالطه استثنای قابل چشم‌پوشی:** هنگامی که فردی یک قضیه کلیه را بیان می‌کند و برایش مثال نقض می‌آورند، ولی او با استثنائامیدن آن مثال نقض، همچنان به کلیت قضیه خود اصرار کند (حکم کلی را باطل نداند)، دچار مغالطه استثناء قابل چشم‌پوشی شده است.



۴- تداخل تحت تضاد (بخش آبی ستاره‌دار در کتاب: غیرالزامی) -

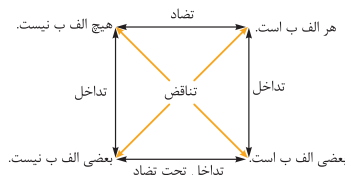
تفاوت دو قضیه جزئیه (با موضوع و محمول یکسان) فقط در کیفیت: دو قضیه متداخل تحت تضاد
تداخل تحت تضاد } موجبه جزئیه $\leftrightarrow$ سالبه جزئیه

مثال موجبه جزئیه: بعضی داستان‌ها پندآموز هستند. $\updownarrow$ تداخل تحت تضاد
سالبه جزئیه: بعضی داستان‌ها پندآموز نیستند.

نحوه تشخیص صدق و کذب دو قضیه متداخل تحت تضاد

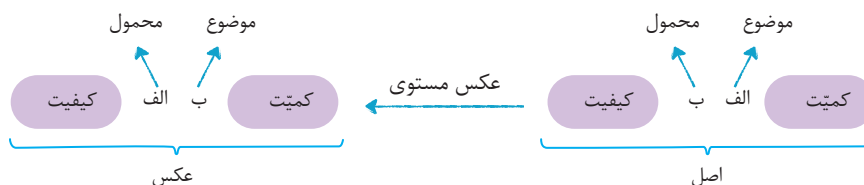
کذب هر کدام $\leftarrow$ صدق دیگری (دو قضیه متداخل تحت تضاد هم‌زمان کاذب نیستند).
صدق هر کدام $\leftarrow$ نامعلوم بودن صدق یا کذب دیگری (دو قضیه متداخل تحت تضاد هم‌زمان می‌توانند صادق باشند).

- مربع تقابل -



- عکس مستوی -

جابجایی موضوع و محمول یک قضیه و تبدیل آن به قضیه‌ای دیگر (قضیه اول: اصل / قضیه دوم: عکس)



در صورت رعایت قواعد عکس مستوی (طبق جدول زیر)، اگر قضیه اصل صادق باشد، عکس آن هم صادق است.

اصل	موجبه کلیه (هر الف ب است).	عکس	موجبه جزئیه (بعضی ب الف است).
اصل	موجبه جزئیه (بعضی الف ب است).	عکس	موجبه جزئیه (بعضی ب الف است).
اصل	سالبه کلیه (هیچ الف ب نیست).	عکس	سالبه کلیه (هیچ ب الف نیست).
اصل	سالبه جزئیه (بعضی الف ب نیست).	عکس	سالبه جزئیه (بعضی ب الف نیست).
اصل	عکس لازم‌الصدق ندارد.	عکس	عکس لازم‌الصدق ندارد.
اصل	عکسی که حتماً صادق باشد ندارد (در برخی موارد صادق و در برخی موارد کاذب است).	عکس	عکسی که حتماً صادق باشد ندارد (در برخی موارد صادق و در برخی موارد کاذب است).

مثال

اصل: هر مستبدي ستمگر است.	عکس: بعضی ستمگرها مستبدند.
اصل: بعضی بیماری‌ها مسری‌اند.	عکس: بعضی چیزهای مسری بیماری‌اند.
اصل: هیچ مؤمنی دروغگو نیست.	عکس: هیچ دروغگویی مؤمن نیست.
اصل: بعضی انسان‌ها نوجوان نیستند.	عکس: بعضی نوجوان‌ها انسان نیستند، کاذب است.

مغالطه ایهام انعکاس

عدم رعایت درست قاعده عکس مستوی در جابجاکردن اجزای قضیه (طبق جدول بیان‌شده)

مثال اصل: هر انسانی ارزشمند است. $\leftarrow$ عکس: هر چیز ارزشمند، انسان است. (عکس کردن موجبه کلیه به موجبه کلیه)

مثال اصل: بعضی انسان‌ها نویسنده نیستند. $\leftarrow$ عکس: بعضی نویسندگان انسان نیستند. (فرض کردن عکس لازم‌الصدق برای سالبه جزئیه)

نکته

گاهی مباحث مربع تقابل و عکس مستوی را در برخی تست‌ها (عمدتاً در آزمون‌های آزمایشی) با هم ترکیب می‌کنند و سؤال می‌دهند.

مثال متضاد متناقض قضیه «بعضی الف ب است» چیست؟

پاسخ برای رسیدن به پاسخ به نحو برعکس باید به حل بپردازیم:

بعضی الف ب است $\leftarrow$ متناقض $\leftarrow$ هیچ الف ب نیست $\leftarrow$ متضاد $\leftarrow$ هر الف ب است.



مثال نقیض عکس متداخل قضیه «بعضی الف ب نیست» چیست؟

پاسخ بعضی الف ب نیست ← متداخل ← هیچ الف ب نیست ← عکس ← هیچ ب الف نیست ← متناقض ← بعضی ب الف است.

درس ۸: قیاس اقترانی

– ساختار قیاس اقترانی حملی (قیاس اقترانی شرطی خارج از مباحث کتاب است). –

(۱) مقدمه اول (= یک قضیه حملی)	(۱)
(۲) مقدمه دوم (= یک قضیه حملی)	(۲)
∴ نتیجه (= یک قضیه حملی)	∴

مقدمه اول: موضوع نتیجه قیاس از آن می آید. (نام دیگر: صغری.)

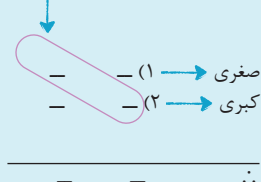
مقدمه دوم: محمول نتیجه قیاس از آن می آید. (نام دیگر: کبری.)

حد وسط: جزء مشترک میان مقدمه اول و دوم یک قیاس اقترانی که باعث ارتباط آن دو و ایجاد نتیجه می شود. (نام دیگر: اوسط.)

نتیجه: قضیه حملی که پس از ارتباط گیری دو مقدمه اول و دوم و حذف حد وسط ایجاد می شود. (یادآوری: موضوع آن از مقدمه اول و محمول آن از مقدمه دوم گرفته می شود). تعیین اول یا دوم بودن مقدمه های یک قیاس، با بررسی نتیجه قیاس ممکن است.

نکته

جزء مشترک: حد وسط (اوسط)



جزء مشترک: حد وسط (اوسط)

مثال هر مسلمانی موحد است. (مقدمه اول)
هیچ موحدی بت پرست نیست. (مقدمه دوم)
∴ هیچ مسلمانی بت پرست نیست. (نتیجه)
موضوع محمول

حد وسط در هر یک از دو مقدمه می تواند موضوع یا محمول باشد. تغییر جایگاه حد وسط در چهار حالت قابل فرض است که چهار شکل قیاس اقترانی نام می گیرند.

– روش یادگیری شکل های قیاس اقترانی –

روش سنتی (استفاده از شعر)

وضع به کبری گرفت شکل نخستین شمار

اوسط اگر حمل یافت در بر صغری و باز

رابع اشکال را عکس نخستین بیار

حمل به هر دو، دوم، وضع به هر دو، سوم

حد وسط در مقدمه دوم موضوع بود ↑ وضع به کبری گرفت شکل نخستین شمار ↓ قیاس شکل اول است.	حد وسط اگر در مقدمه اول محمول بود. ↑ اوسط اگر حمل یافت در بر صغری و باز
رابع اشکال را عکس نخستین بیار ↓ شکل و چهار عکس شکل اول است: حد وسط در مقدمه اول موضوع است و در مقدمه دوم محمول است.	حد وسط اگر در هر دو مقدمه محمول بود، قیاس شکل دوم است. ↑ حمل به هر دو، دوم، وضع به هر دو، سوم ↓ حد وسط اگر در هر دو مقدمه موضوع بود، قیاس شکل سوم است.

روش کتاب درسی (استفاده از حافظه تصویری)

(شکل اول)	(شکل دوم)	(شکل سوم)	(شکل چهارم)
الف — ب — ب — ج —	الف — ب — ب — ج —	الف — ب — ب — ج —	الف — ب — ب — ج —
الف — ب — ب — ج —	الف — ب — ب — ج —	الف — ب — ب — ج —	الف — ب — ب — ج —
الف — ب — ب — ج —	الف — ب — ب — ج —	الف — ب — ب — ج —	الف — ب — ب — ج —



نکته

در اول و آخر قضیه، به ترتیب نشان‌دهنده سور و رابطه است.

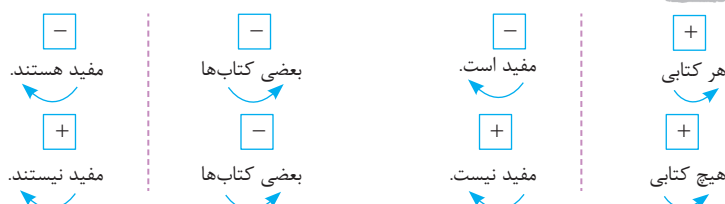
– تعیین دامنه مصادیق موضوع و محمول یک قضیه (یکی از پیش‌نیازهای تعیین اعتبار قیاس اقترانی) –

نکته

تعیین دامنه موضوع و محمول یک قضیه اصلاً به هم ربطی ندارد. دامنه مصادیق موضوع و محمول را جداگانه بررسی می‌کنیم.

علامت محمول	روش تعیین دامنه مصادیق محمول	علامت موضوع	روش تعیین دامنه مصادیق موضوع
–	موجب بودن قضیه $\rightarrow$ برخی از مصادیق محمول	+	سور کلی (هر / هیچ و مترادف‌های آن) پیش از موضوع $\leftarrow$ همه مصادیق موضوع
+	سالبه بودن قضیه $\leftarrow$ همه مصادیق محمول	–	سور جزئی (بعضی و مترادف‌های آن) پیش از موضوع $\leftarrow$ بعضی از مصادیق موضوع

مثال



– اعتبارسنجی قیاس اقترانی –

پنج گام (دو پیش شرط + سه شرط) را به ترتیب باید طی کرد. در هر یک از مراحل اگر هر کدام به درستی رعایت نشده بود، قیاس نامعتبر است و شرایط بعدی را هم بررسی نمی‌کنیم.

به لحاظ لفظی: لفظ چیزی اضافه یا کم نداشته باشد. (جمع بودن حد وسط در یک مقدمه و مفرد بودن در مقدمه دیگر و یا نکره داشتن در یک مقدمه و نداشتن در مقدمه‌ای دیگر، مشکلی ندارد).

مثال: انسان از خاک است، خاک بی جان است؛ پس انسان بی جان است. (عدم تکرار حد وسط)
هر درختی گیاه است، برخی درختان دارای عمری طولانی هستند؛ پس برخی گیاهان دارای عمری طولانی هستند. (تکرار حد وسط)

به لحاظ معنایی: اشتراک لفظ رخ ندهد.

مثال: در باز است، باز پرنده است؛ پس در پرنده است.

دلالت لفظ بر معنا در هر کاربرد حد وسط، یکی باشد.

مثال: مخالفان ما الاغ هستند! (دلالت التزامی: کنایه از نادانی)، الاغ علف‌خوار است (دلالت مطابقی)؛ پس مخالفان ما علف‌خوارند.

رعایت قانون نتیجه قیاس $\leftarrow$ اگر حتی یکی از دو مقدمه قیاس، سالبه است، نتیجه هم قطعاً باید سالبه باشد. (قیاسی که این گونه نباشد، معتبر نیست). مثال: هیچ باغبانی بی سواد نیست. هر بی‌سوادی، کتاب نخوانده است؛ پس هر باغبانی کتاب نخوانده است. (نامعتبر)

(۱) هر دو مقدمه سالبه نباشد. مثال: هیچ مجرمی بی گناه نیست. هیچ بی‌گناهی سزاوار زندان نیست؛ پس هیچ مجرمی سزاوار زندان نیست. (نامعتبر) [نکته مهم: این شرط را با قانون نتیجه قیاس (پیش شرط دوم) اشتباه نگیرد].

(۲) حد وسط در هر دو مقدمه علامت منفی نداشته باشد. (حداقل در یکی مثبت باشد). مثال: برخی انسان‌ها باسواد هستند. برخی انسان‌ها بی سواد هستند؛ پس برخی باسوادها، بی سواد هستند. (نامعتبر)

(۳) اگر موضوع یا محمول نتیجه، دارای علامت مثبت باشد، باید در مقدمات هم علامتش مثبت باشد. اگر موضوع و محمول نتیجه، هر دو دارای علامت منفی بود، شرط سوم خودبه‌خود رعایت شده است و دیگر مورد بررسی قرار نمی‌گیرد.

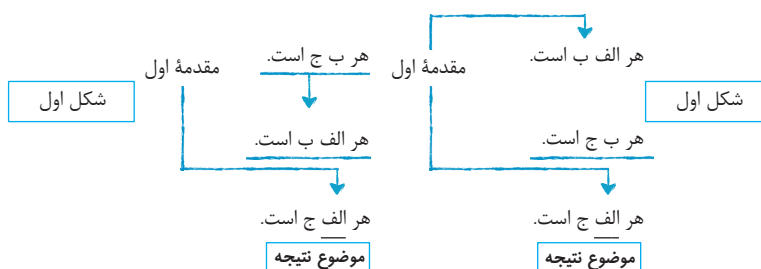
مثال: هر کارشناس ارشدی، باسواد است. بعضی انسان‌ها، کارشناس ارشد نیستند؛ پس برخی باسوادها انسان نیستند. (نامعتبر)

– نکته‌ای در مورد تفاوت شکل اول با شکل چهارم –

تنها با جابه‌جا کردن مقدمات استدلال شکل اول، این شکل به شکل چهارم تبدیل نمی‌شود.



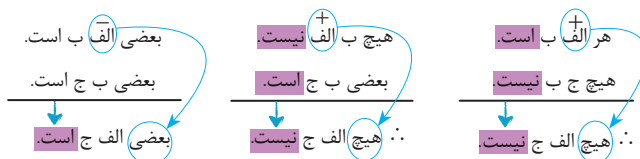
شکل اول و چهارم بودن یک قیاس، فقط بر اساس مقدمات قیاس تعیین نمی‌شود؛ بلکه دقت به نتیجه در تعیین نوع شکل، نقش اساسی دارد.



موضوع در نتیجه، مقدمه اول استدلال و محمول در نتیجه، مقدمه دوم استدلال را تعیین می‌کنند. برای همین، فقط با جابه‌جا کردن ترتیب مقدمات (بدون تغییر در نتیجه)، همچنان شکل اول، شکل اول خواهد بود و به شکل چهارم تبدیل نمی‌شود.

– قانون کمیت نتیجه (بخش غیرالزامی) –

اگر موضوع نتیجه در مقدمات دارای علامت مثبت باشد، برای نتیجه سور کلی قرار می‌دهیم. اگر موضوع نتیجه در مقدمات دارای علامت منفی باشد، برای نتیجه سور جزئی قرار می‌دهیم.



فلسفه

فلسفه یازدهم: درس‌های ریشه و شاخه‌های فلسفه

یک بخش اصلی (ریشه و اساس فلسفه)

دانش فلسفه

تعدادی از بخش‌های فرعی (شاخه‌ها و ستون‌های فلسفه)

– بخش اصلی و ریشه‌ای فلسفه –

بخش اصلی فلسفه: بررسی اصل و حقیقت وجود و مسائل پیرامون آن	
هستی‌شناسی	۱. بحث درباره قوانین و احکام کلی و عام حاکم بر هستی و وجود ۲. کار فیلسوفان: به دست آوردن قوانین و احکام مربوط به خود هستی و وجود
معرفت‌شناسی	۱. مطالعه توانایی انسان در شناخت هستی ۲. کار فیلسوفان: بررسی توانایی انسان در شناخت هستی و ابزارهای این شناخت (معرفت به وجود، فرع بر امکان شناخت آن)

تعریف: دانش فلسفی عهده‌دار انتقال قوانین بنیادی وجودشناسی و معرفت‌شناسی به محدوده‌های خاص + بیان قوانین بنیادی آن محدوده (مثال: وجود مادی و مجرد در هستی‌شناسی) ← انسان‌شناسی فلسفی: دو بعد مادی و مجرد انسان ← بررسی بعد مجرد در اخلاق و روان‌شناسی

تأمل فیلسوفانه در اخلاق، دین، تاریخ و طبیعت ← فلسفه اخلاق، فلسفه دین، فلسفه تاریخ و فلسفه طبیعت

«فلسفه‌های مُضاف»: شاخه‌های فلسفه (اضافه‌شدن فلسفه به نام آن دانش یا موضوع خاص) مثال: فلسفه فیزیک.



فلسفه‌های مُضاف و علوم

فلسفه مُضاف هر علم: بحث فلسفی در مورد مبانی آن علم / اثبات اساس نظریات آن علم

مثال اصالت فرد و اصالت جامعه در فلسفه علوم اجتماعی

- جامعه: مجموعه‌ای از افراد - ترجیح منافع فرد بر جامعه در برنامه‌ریزی‌ها و ... - گرایش به لیبرالیسم در سیاست (تأمین‌کننده آزادی‌های فردی)	اصالت فرد
- افراد فاقد هویت مستقل از جامعه و تابع شرایط جامعه - ترجیح منافع جمع بر فرد در برنامه‌ریزی‌ها و ... - گرایش به سوسیالیسم در سیاست (تأمین‌کننده منافع جمعی)	اصالت جامعه
- افراد تحت تأثیر اجتماع، اما دارای قدرت اختیار و تصمیم‌گیری و تأثیر بر جامعه و تغییر آن - اعتقاد به روح جمعی در جامعه	اصالت توأمان فرد و جامعه

اقتصاد

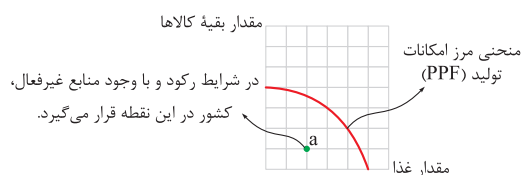
درس ۸: رکود، بیکاری و فقر

– منابع غیرفعال و منحنی مرز امکانات تولید –

- با کاهش تولید و پدید آمدن رکود: کارگران کم‌تری مورد نیاز است. / سرمایه کم‌تری مورد استفاده قرار می‌گیرد.
- در این حالت اقتصاد دارای منابع بیکاری است که این منابع می‌توانستند برای تولید کالا و خدمات استفاده شوند. (اما در حال حاضر از آن‌ها برای تولید هیچ چیز استفاده نمی‌شود).
- به دلیل وجود این منابع بیکار (به عنوان مثال شاید برخی از کارخانه‌ها بسته شده‌اند و یا بعضی از کارگرها بیکار هستند)، کشور در زیر مرز امکانات تولید (نقطه a در شکل زیر) قرار می‌گیرد.

وقتی یک اقتصاد منابع غیرفعال دارد، به راحتی می‌تواند با استفاده از آن منابع غیرفعال، کالا و خدمات زیادی تولید کند.

وقتی یک اقتصاد منابع غیرفعال دارد، هیچ احتیاجی به انتقال منابع از تولید یک کالا به تولید کالای دیگری نیست.



– اشتغال و بیکاری –

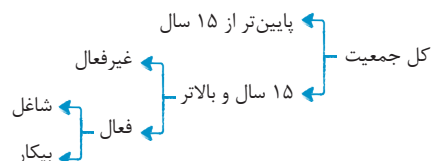
تعریف	مفاهیم اقتصادی
کسانی که در ازای کاری که انجام می‌دهند دستمزد یا حقوق می‌گیرند. (این شغل می‌تواند تمام‌وقت یا پاره‌وقت باشد).	شاغل
کسی است که بالاتر از ۱۵ سال دارد و در جست‌وجوی کار است؛ اما کاری برای خود پیدا نمی‌کند.	بیکار
افرادی که مشغول به کارند (جمعیت شاغل) یا دنبال کار هستند (جمعیت بیکار). تعداد افراد بیکار + تعداد افراد شاغل = جمعیت فعال جامعه	جمعیت فعال
افرادی که در سن کار (بالای ۱۵ سال) قرار دارند، ولی شاغل یا بیکار نیستند. (مانند دانشجویان و دانش‌آموزان بالای ۱۵ سال، بازنشسته، خانه‌دار و افراد بالای ۱۵ سال که دنبال کار نمی‌گردند).	جمعیت غیرفعال

– نرخ بیکاری –

- اساسی‌ترین شاخص ارزیابی وضعیت اشتغال کشور است.
- نرخ بیکاری از نسبت تعداد بیکاران به کل جمعیت فعال کشور ضربدر عدد ۱۰۰ به دست می‌آید.
- بهترین سنجه برای مشخص‌شدن وضعیت بیکاری در جامعه است.

$$100 \times \frac{\text{جمعیت بیکار ۱۵ ساله و بیشتر}}{\text{جمعیت فعال ۱۵ ساله و بیشتر}} = \text{نرخ بیکاری}$$

جمعیت زیر ۱۵ سال + جمعیت ۱۵ سال و بالاتر = جمعیت کل کشور
جمعیت فعال + جمعیت غیرفعال = جمعیت ۱۵ سال و بالاتر
جمعیت شاغل + جمعیت بیکار = جمعیت فعال



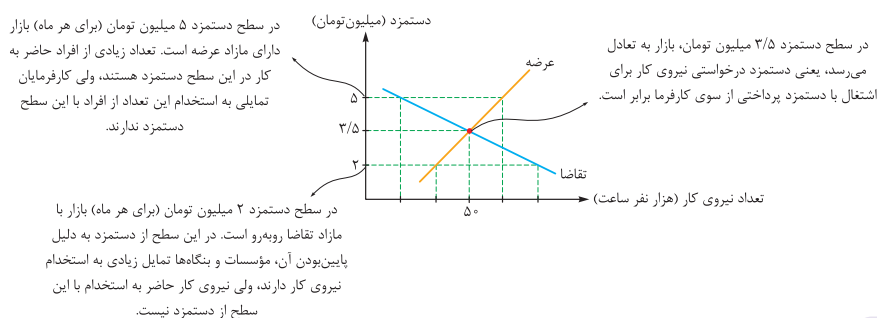
چرا بیکاری را بیشتر از آنچه اعلام می‌شود، احساس می‌کنیم؟

طبق تعریف اقتصاددانان	تصور عموم مردم
کسانی که از جست‌وجوی شغل دلسرد شده‌اند، بیکار محسوب نمی‌شوند.	کسانی که از جست‌وجوی شغل دلسرد شده‌اند، خود را بیکار محسوب می‌کنند.
همه کسانی را که به صورت پاره‌وقت مشغول به کارند شاغل به حساب می‌آورند.	کسانی که به صورت پاره‌وقت مشغول به کارند، در جست‌وجوی شغل تمام‌وقت هستند و خود را شاغل به حساب نمی‌آورند.
همه کسانی را که در غیر از زمینه تخصصی‌شان مشغول به کار و فعالیت باشند، شاغل محسوب می‌کنند.	کسانی که در غیر از زمینه تخصصی‌شان مشغول به کار و فعالیت باشند، خود را شاغل به حساب نمی‌آورند.
برخی افراد نیز ممکن است به دلایلی مانند اشتغال در بخش غیررسمی یا به امید بهره‌مندی از بیمه بیکاری و ... با مأموران آمارگیری درباره وضعیت شغلی خود با صداقت برخورد نکنند.	

بازار نیروی کار

- همان‌طور که در بازار کالا، مقدار عرضه یا تقاضای کالا با قیمت آن ارتباط دارد، در بازار کار نیز قیمت نیروی کار که همان دستمزد است، با میزان تقاضا یا عرضه نیروی کار ارتباط دارد.
- عرضه‌کننده نیروی کار: همان کارگرانی هستند که با نیروی بدنی و یا فکری خود، محصول یا خدمتی را تولید می‌کنند و حاضرند کار خود را در اختیار تقاضاکنندگان کار قرار دهند.
- تقاضاکنندگان نیروی کار: صاحبان شرکت‌ها و کارخانه‌ها یا سرمایه‌گذارانی هستند که نیروی کار را استخدام می‌کنند. گاهی در اقتصاد به تقاضاکنندگان نیروی کار، کارفرما هم می‌گویند.

نمودار زیر، مقدار و قیمت (دستمزد) تعادلی در بازار نیروی کار را نشان می‌دهد:



انواع بیکاری

نوع بیکاری	علت
بیکاری اصطلاحی	- این نوع بیکاری شامل کسانی می‌شود که شغل قبلی خود را به دلایلی رها کرده و به امید یافتن شغلی بهتر در جست‌وجو هستند. - هم‌چنین شامل کسانی است که به تازگی در حال ورود به بازار کار هستند. - این نوع بیکاری کوتاه‌مدت است و در همه کشورهای وجود دارد.
بیکاری فصلی	- زمانی اتفاق می‌افتد که کارگران به دلیل تغییرات فصلی شغل خود را از دست می‌دهند. - مانند برخی کارگران ساختمانی و کشاورزان در فصل زمستان
بیکاری ساختاری	- بیکاری‌ای که ناشی از عدم تطبیق بین افراد جویای کار و انواع شغل‌های موجود به دلایلی از جمله عدم تطابق مهارت‌هاست. - مثلاً نیروی کار ساده در اقتصاد وجود دارد؛ ولی نیروی کار متخصص مورد نیاز است.
بیکاری دوره‌ای	- بیکاری‌ای که هنگام رکود اقتصادی رخ می‌دهد. - در دوره رکود، تولید کاهش می‌یابد و به همین دلیل شرکت‌ها استخدام خود را متوقف می‌کنند یا بخشی از نیروهای خود را بیکار می‌کنند.

بیکاری و رکود چه پیامدهایی دارد؟

مشکلات بیکاری برای بیکاران و خانواده‌های آن‌ها:

- از دست دادن درآمد خانوار
- از دست دادن بیمه خدمات درمانی
- استفاده از پس‌انداز خود برای تأمین غذا، پوشاک و مسکن (برای خانواده‌هایی که هیچ دستمزد دیگری ندارند).
- قرض گرفتن از دیگران برای تأمین نیازهای خود
- ناتوانی در پرداخت هزینه‌های غیرمترقبه مانند درمان و خرابی لوازم خانگی و ...



۶ بروز اختلافات خانوادگی

۷ افزایش جرم و جنایت در جامعه

۸ تأثیر منفی بر بودجه دولت (میزان بالای بیکاری، دولت را مجبور به صرف پول بیشتر برای برنامه‌های اجتماعی (مانند بیمه بیکاری، کمک به تغذیه خانواده‌های نیازمند) می‌کند، در حالی که درآمد مالیاتی دولت به دلیل: بیکاربودن کارگران و کاهش تولید شرکت‌ها کاهش یافته است.)

۹ یکی از پیامدهای غم‌انگیز بیکاری و رکود ← فقر

- در هر چهار ثانیه یک کودک بر اثر مشکلات مرتبط با فقر در دنیا جان خود را از دست می‌دهد.
- در کل جهان، ۱/۴ میلیارد نفر در فقر مطلق به سر می‌برند.
- بسیاری از کشورهای جهان حتی کشورهای با درآمد بالا نیز درگیر نابرابری‌های اقتصادی هستند.

– فقر و انواع آن –

روش کلی در تعیین میزان فقر: مقایسه نیازمندی‌های افراد و یا خانوار با توانمندی‌های آنان برای دستیابی به آن نیازها

فقر نسبی:

- کافی بودن یا نبودن این شاخص‌ها به وضعیت نسبی رفاه گروه‌ها و طبقات مختلف مردم برمی‌گردد؛ این وضعیت به‌ویژه در نواحی‌ای مانند شهر و روستا که از نظر سطح رفاه یکسان نیستند، صدق می‌کند؛ به عنوان مثال ممکن است میزانی از سلامت که برای یک خانوار روستایی ایده‌آل است، برای خانواده شهری ناچیز تلقی شود و براساس آن خود را فقیر بداند. (این وضعیت منجر به تعریف فقر نسبی شده است.)
- در فقر نسبی همیشه تعریف فقر نسبت به وضعیتی که در آن هستیم محاسبه می‌شود و در نتیجه معیار فقر در مناطق و زمان‌های مختلف متفاوت است.
- با توجه به مفهوم فقر نسبی، محاسبه تعداد افراد فقیر بسیار سخت، پیچیده و شاید ناممکن است.

فقر مطلق:

- با توجه به تعریف فقر نسبی، محاسبه تعداد افراد فقیر بسیار سخت، پیچیده و شاید ناممکن است؛ در نتیجه مفهوم فقر مطلق به کار گرفته می‌شود.
- شاخص فقر مطلق را می‌توان معیاری برای سنجش میزان فقر در نظر گرفت.
- مطابق با معیار بانک جهانی، افرادی که زیر ۱/۹ دلار در روز درآمد دارند، زیر خط فقر مطلق‌اند و از تأمین احتیاجات اولیه زندگی خود عاجزند.
- در شاخص فقر مطلق، ارزش دلار از طریق روش برابری قدرت خرید (PPP) محاسبه می‌شود.

– عوامل ایجاد بیکاری و فقر در کشور –

- قاچاق یا واردات کالایی که مشابه آن در کشور تولید می‌شود.
- بی‌ثباتی و ناامنی در فضای کسب و کار

– عوامل بی‌ثباتی و ناامنی در فضای کسب و کار اقتصادی –

- عدم توانایی در بازپرداخت وام‌های کلان بانکی
- نبود فضای مناسب کسب و کار
- انتظار برای اخذ مجوزهای دولتی یا معطل‌ماندن در پیچ و خم‌های اداری سازمان‌ها و نهادها جهت راه‌اندازی یک کارگاه تولیدی یا اضافه کردن خط تولید جدید
- قانون‌گذاری‌های متعدد، متناقض و دائماً در حال تغییر
- اختلال در بازارهای انرژی جهان
- بحران‌های محیط زیستی یا بهداشتی
- بی‌ثباتی در قیمت‌ها (به عنوان مثال در اقتصاد ایران؛ بی‌ثباتی در قیمت‌ها بر بی‌ثباتی بازار کار و فعالیت اقتصادی اثر منفی قابل توجهی گذاشته است و خود یکی از عوامل مهم بیکاری و رکود به شمار می‌رود.)

از وظایف دولت‌ها در هر کشوری (۱) اجرای سیاست‌های فقرزدایی
(۲) برقرار کردن عدالت

دولت‌ها موظف‌اند از طریق (۱) حمایت از شرکت‌های تولیدی (۲) مبارزه با فساد
(۳) مبارزه با فقر و بیکاری مبارزه کنند.

❖ مسئولیت اجتماعی مردم ❖

- مردم می‌توانند از طریق
- (۱) ایجاد نهادهای توانمندسازی
 - (۲) خیریه و کمک‌های مردمی
 - (۳) تأسیس صندوق‌های قرض‌الحسنه
 - (۴) فعالیت‌های جهادی
- از یکدیگر در برابر خطر فقر و نابرابری محافظت کنند.

درس ۹: تورم و کاهش قدرت خرید

مرحله «۱»: مبادله کالا با کالا (پایپای یا تهاتری) -

معایب	تعریف
- نیبودن یک معیار سنجش ارزش - فاسدشدن برخی از کالاها در طی مبادلات گسترده - دشواری حمل برخی از کالا - یافتن فردی که مازاد کالای ما را نیاز داشته باشد و همزمان کالای موردنیاز ما را نیز داشته باشد، بسیار دشوار بود و این امر هزینه‌های مبادلاتی را به شدت افزایش می‌داد.	در این مرحله، کشاورزان، دامداران، صنعتگران و دیگر قشرها، محصولات خود را با یکدیگر به صورت پایپای مبادله می‌کنند. (هر کس کالای مازاد خود را با کالای مورد نیاز مبادله می‌کرد).

مرحله «۲»: گزینش کالاهای خاص به عنوان واحد پول -

معایب	تعریف
- کالای انتخاب‌شده به عنوان وسیله مبادله در صورت استفاده‌نشدن در مدت‌زمان طولانی، فاسد و غیر قابل استفاده می‌شد. - به دلیل حجم زیاد، کالاها فضای زیادی را اشغال می‌کردند. - تأمین جا برای محافظت از این کالاها، هزینه نگهداری آن‌ها را افزایش می‌داد و زیان‌دیدگی تولیدکنندگان را به همراه داشت.	با گذشت زمان انسان‌ها به تدریج دریافته‌اند که بعضی کالاها، مشتریان بیشتری دارند (این کالاها معمولاً بادوام، فاسدنشده و قابل تقسیم به تکه‌های کوچک و پرتعداد بودند). این کالاها به عنوان اولین پول مورد استفاده قرار گرفتند. (مانند: غلات در ایران، صدف در هندوستان، چای در تبت و پوست سمور در روسیه)

مرحله «۳»: پول فلزی -

معایب	تعریف
- محدودبودن میزان طلا و نقره - با افزایش تجارت و مبادله، به پول بیشتری نیاز بود.	- انتخاب برخی از فلزات مانند طلا و نقره به عنوان وسیله مبادله - رونق فعالیت‌هایی از قبیل دریانوردی و حمل‌ونقل

مرحله «۴»: پول کاغذی -

معایب	تعریف
- بی‌مبالاتی و یا سوءاستفاده برخی از صرافان از اعتماد مردم - تعداد زیاد انواع رسیدها و صرافی‌ها که آشنایی و اعتبارسنجی آن‌ها را برای مردم سخت کرده بود. (دولت‌ها برای جلوگیری از بروز مشکلات ناشی از به‌کارگیری رسیدها، چاپ و انتشار اسکناس را برعهده گرفتند. ایده سپردن نشر و چاپ پول به یک بانک تجاری از این‌جا شکل گرفت).	- عده‌ای از بازرگانان در معاملات خود به‌جای پرداخت سکه‌های فلزی، رسید صادر می‌کردند که بیانگر بدهی آنان بود؛ طرف مقابل براساس اعتمادی که داشت این رسید را می‌پذیرفت؛ به تدریج بازرگانانی که به هم اعتماد داشتند، این رسیدها را بین خود رد و بدل می‌کردند. - مردم هم برای مصون‌ماندن از خطرهای احتمالی و رهایی‌یافتن از حمل مسکوکات در معاملات، پول‌های خود را به صرافان یا تجار معتبر می‌سپردند و در مقابل «رسید» دریافت می‌کردند و در معاملات خود این رسیدها را به کار می‌گرفتند. - این رسیدها نخستین اسکناس‌ها بودند که طلا و نقره نگهداری‌شده توسط صرافان و بازرگانان، پشتوانه آن‌ها بود.

مرحله «۵»: پول ثبتی یا تحریری و پول الکترونیکی و مجازی -

تعریف و ویژگی‌ها
- با دشوارشدن نقل و انتقال اسکناس‌ها، بانک‌ها خدمات مختلفی را در اختیار مشتریان قرار دادند؛ از جمله «چک». - در معاملاتی که با چک انجام می‌شود؛ در حقیقت پول نقد بین افراد رد و بدل نمی‌شود؛ بانک موجودی حسابی را کاهش و موجودی حساب دیگر را افزایش می‌دهد. - چون افراد خود مبلغ چک را روی آن می‌نویسند به آن «پول ثبتی» یا «پول تحریری» گفته می‌شود. - امروزه به دلیل افزایش حجم و سرعت مبادلات و همراه‌شدن آن با انقلاب دیجیتال و الکترونیک، بشر به دنبال روش‌های سریع‌تر و راحت‌تر است. - امروزه شاهد پول الکترونیکی هستیم که قابل ثبت در کارت‌های بانکی و قابل انتقال در شبکه‌های ارتباطی (تلفنی، تلفن همراه و فضای مجازی) است و کار خرید و فروش و انتقال دارایی را بسیار آسان و سریع کرده است. - در آینده پول‌های دیجیتالی گوناگونی را خواهیم دید که فرصت‌ها و تهدیدات جدیدی را برای زندگی بشر ایجاد خواهد کرد. «بیت‌کوین» یکی از این پول‌های نوظهور است.



- پشتوانه پول -

- پشتوانه پول عبارت است از: اطمینانی که مردم به ارزش پول در مبادلات دارند.

پول رایج	پشتوانه پول
پول فلزی (طلا و نقره) (در گذشته)	همان طلا و نقره موجود در خود پول
پول کاغذی (در گذشته)	پولهای فلزی و شمشهای طلا و جواهراتی که نزد صراف یا بانک بودند.
پولهای فلزی، کاغذی، تحریری و الکترونیکی که امروزه در دست افراد یا در حساب آنهاست	قدرت اقتصادی کشور

وظایف پول

● در هنگام خرید و فروش هر کالایی، پول پرداخت می‌شود. ● افراد در مبادلات پول را می‌پذیرند؛ زیرا می‌دانند دیگران نیز هنگام فروش کالا یا خدمت خود، آن را می‌پذیرند. ● نقش اصلی پول در مبادلات = آسان‌سازی مبادله	۱) وسیله پرداخت در مبادلات
● با پول می‌توان ارزش کالاها را مشخص کرد و سپس ارزش نسبی آنها را با هم سنجید. ● این عمل پول، کار خرید و فروش کالاهای مختلف و تبدیل قیمت‌ها را به یکدیگر آسان می‌کند. ● هر کشور دارای واحد ارزش خاص خود است، مانند یورو در اتحادیه اروپا، دلار در آمریکا و ریال (تومان) در ایران.	۲) وسیله سنجش ارزش
● علاوه بر مخارج روزمره، برخی مخارج غیرقابل پیش‌بینی وجود دارند. افراد پول‌هایی را که نزد خود پس‌انداز کرده‌اند، به عنوان وسیله حفظ ارزش در زمان لازم مورد استفاده قرار می‌دهند.	۳) وسیله پس‌انداز و حفظ ارزش
● در صورتی که پول بتواند حفظ ارزش کند، می‌تواند وسیله مناسبی برای پرداخت‌های آینده نیز باشد. ● اکثر معاملات تجاری در مقابل پرداخت‌های آینده صورت می‌گیرد؛ همانند: خریدهای اقساطی و رد و بدل کردن حواله‌های بانکی (این وظیفه پول در روزگار ما کاملاً محسوس است).	۴) وسیله پرداخت‌های آینده

نقدینگی

- فرمول‌های مهم -

چک پول + سپرده‌های دیداری + اسکناس و مسکوکات = حجم پول
حساب‌های پس‌انداز بلندمدت + حساب‌های پس‌انداز کوتاه‌مدت = شبه پول
شبه پول + حجم پول = نقدینگی

- حجم نقدینگی می‌تواند کم یا زیاد شود.
- در بیشتر موارد حجم نقدینگی در کشورها با افزایش روبه‌رو است.
- افزایش نقدینگی معمولاً ناشی از عملکرد بانک‌ها است.

- تورم و چگونگی محاسبه آن -

- اقتصاددانان افزایش در سطح عمومی قیمت‌ها را تورم می‌گویند.
- اگر افزایش در سطح عمومی قیمت‌ها، بی‌رویه، پرنوسان و مداوم باشد، با تورم زبان‌بار روبه‌رو هستیم.
- نرخ تورم عبارت است از درصد افزایش سالانه سطح عمومی قیمت‌هاست.
- تورم نشان می‌دهد که قدرت خرید پول چقدر کاهش یافته است.

- چگونه نرخ تورم را محاسبه می‌کنند؟ -

- برای اندازه‌گیری تورم از شاخص قیمت مصرف‌کننده (CPI) استفاده می‌کنند.

برای تشکیل شاخص CPI:

- ۱) دولت‌ها معمولاً یک سبد بازار (بسته‌ای از کالاهای گوناگون که عموم مصرف‌کنندگان احتمالاً خریداری می‌کنند، مانند انواع مواد غذایی، ماشین، لباس، خدمات تفریحی و ...) در نظر می‌گیرند.
- ۲) سپس دولت هزینه این سبد بازار را در طول زمان رصد می‌کند، اگر قیمت این سبد طی یک دوره مشخص ۱۰ درصد افزایش یابد، CPI نیز ۱۰ درصد افزایش دارد.
- ۳) بعد از جمع‌آوری اطلاعات قیمت از سبد کالاها، دولت از طریق رابطه زیر، شاخص CPI را محاسبه می‌کند:
- $$100 \times \frac{\text{هزینه سبد بازار در ماه (سال) قبل} - \text{هزینه سبد بازار در ماه (سال) معین}}{\text{هزینه سبد بازار در ماه (سال) قبل}} = \text{درصد تغییر CPI برای یک ماه (یا یک سال) معین}$$

– پیامدهای تورم –

- تورم بر رفاه مردم و امنیت اقتصادی آن‌ها اثر منفی دارد.
- تورم موجب بی‌ثباتی فضای کسب و کار می‌شود و تولیدکنندگان و بازرگانان نمی‌توانند پیش‌بینی درستی از آینده قیمت‌ها در بازار داشته باشند؛ خرید و فروش کالاها با مشکلات زیادی روبه‌رو می‌شود.
- مصرف‌کنندگان با کاهش قدرت خرید پولشان مواجه می‌شوند و این بر رفاه آنان اثر منفی خواهد گذاشت.

– علل تورم و نقش دولت –

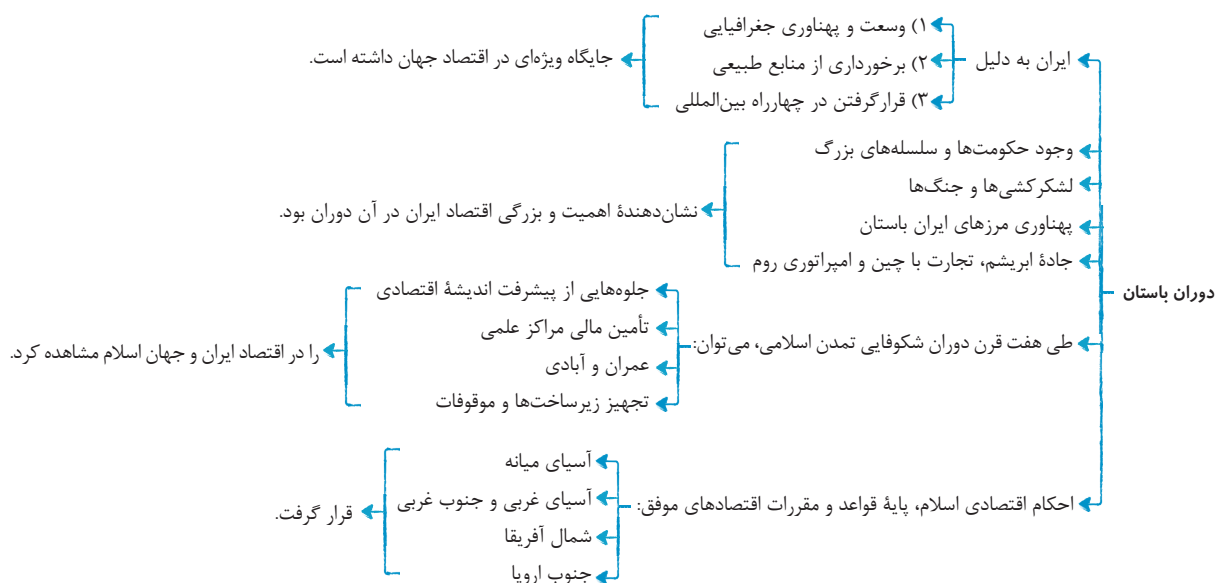
علل به وجود آمدن تورم در جامعه
ناابرابری عرضه و تقاضای کل در اقتصاد (فزونی تقاضا بر عرضه)
ناهماهنگ بودن افزایش نقدینگی در کشور با افزایش تولید
در کشور ما، افزایش درآمدهای نفتی (اگرچه گاهی به افزایش ظرفیت‌های تولیدی کمک کرده است) باعث رشد درآمدهای اقتصادی و رشد حجم نقدینگی شده که تورم‌زا است.
در کشور ما، نوسانات نرخ ارز هم می‌تواند اثر منفی بر ارزش پول ملی ما بگذارد و باعث کاهش قدرت خرید پول ملی و در نتیجه تورم شود.

- در شرایط تورمی، دولت برای مقابله و کنترل تورم باید میزان عرضه کالاها را افزایش دهد.
- دولت برای افزایش عرضه کالاها (۱) ظرفیت‌های تولیدی را افزایش می‌دهد. (این روش زمان‌بر است.) (۲) از طریق افزایش واردات، بازار را تنظیم می‌کند.
- به سیاست‌هایی که دولت از طریق بانک مرکزی برای «مدیریت حجم نقدینگی» و «حفظ ارزش پول» اعمال می‌کند، «سیاست‌های پولی» می‌گویند.

انواع سیاست‌های پولی	در چه شرایطی توسط بانک مرکزی این سیاست به کار گرفته می‌شود؟	یکی از روش‌های اعمال این سیاست
کاهش نقدینگی در گردش (سیاست پولی انقباضی)	زمانی که اقتصاد کشور دچار تورم می‌شود، برای پیشگیری از افزایش قیمت‌ها یا کاهش سرعت آن	روش اعمال این سیاست: سیاست بازار باز (خرید یا فروش اوراق مشارکت) بانک مرکزی می‌تواند با فروش اوراق مشارکت به مردم به طور مستقیم از مقدار پول در دست مردم بکاهد و تورم را کنترل و نقدینگی در گردش را کاهش دهد.
افزایش نقدینگی در گردش (سیاست پولی انبساطی)	در حالت رکود اقتصادی که سطح تولید کاهش و بیکاری افزایش می‌یابد.	بانک مرکزی می‌تواند با خرید اوراق مشارکت در دست مردم به طور مستقیم نقدینگی بیشتری را به جامعه تزریق کند.

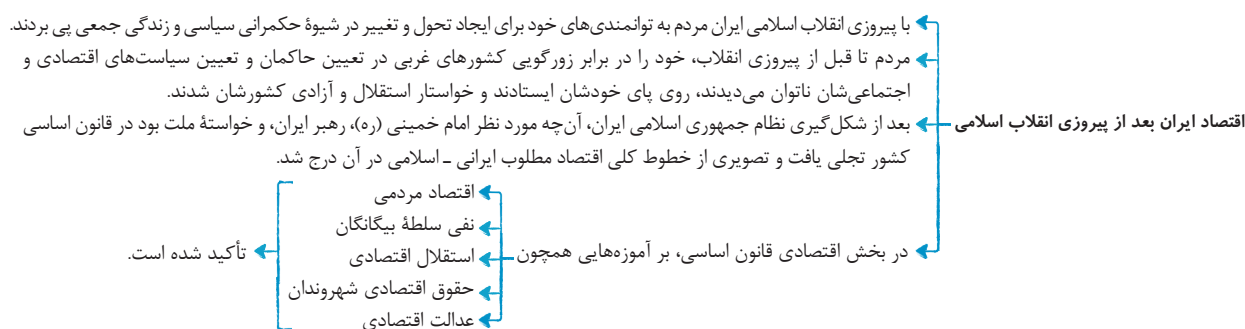
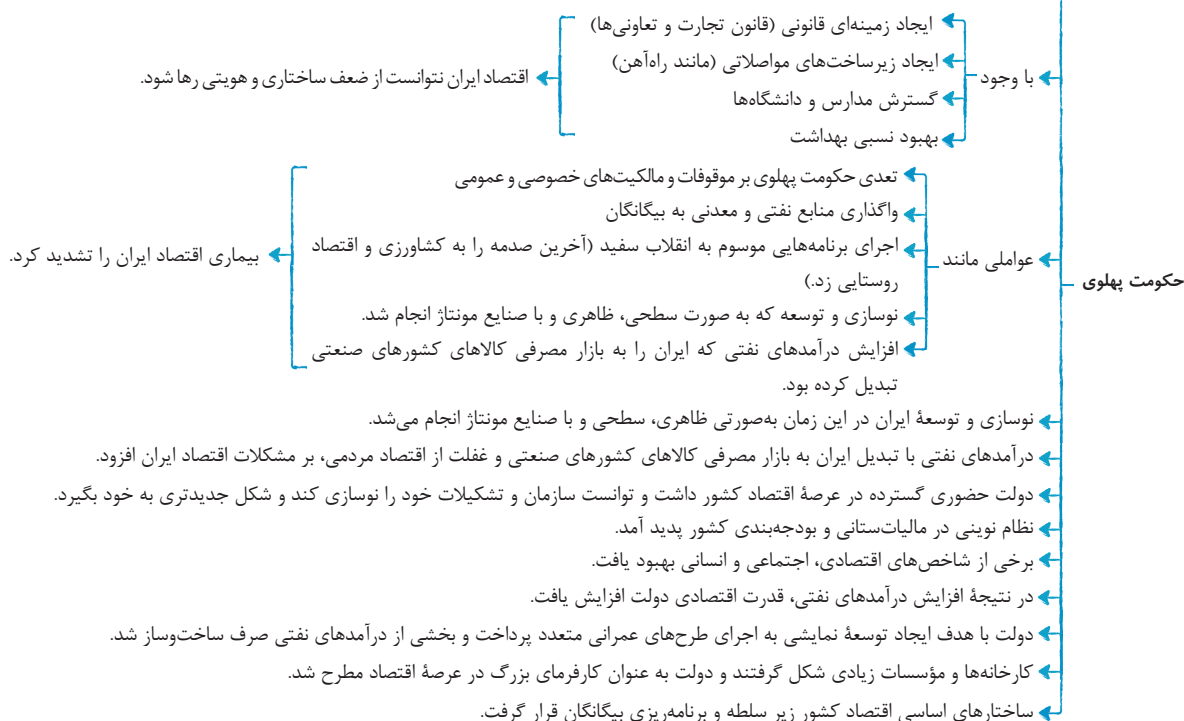
♦♦ درس ۱۰: مقاوم‌سازی اقتصاد ♦♦

– مسیر تاریخی اقتصاد ایران –



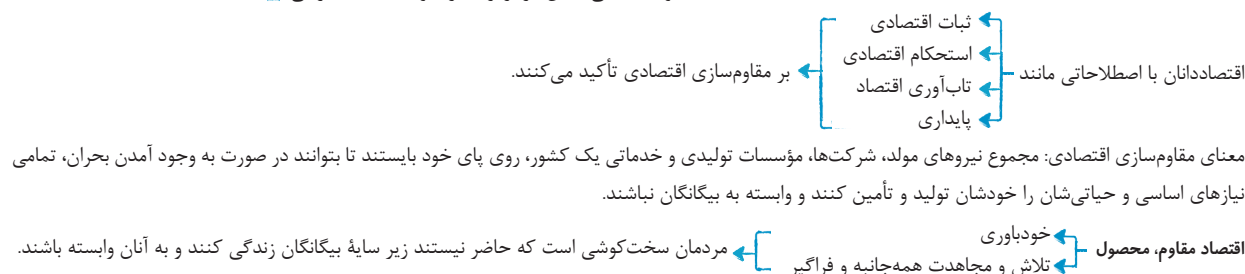


ویژگی عمده این دوره: جداسدن اقتصاد ایران از ابعاد هویتی، فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و دینی خود بود. اقتصاد ایران به جای تکیه بر پایه‌های بومی و درون‌زای داخلی و ملی خود به بیرون از مرزها و قدرت‌های بزرگ متکی شد.



اقتصاد مقاومتی و استقلال اقتصادی

برای عبور از مشکلات اقتصادی و آسیب‌هایی که اقتصاد ملی را در دوران مقاومت‌سازی اقتصاد کنونی تهدید می‌کند:



تعریف اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که در برابر تهدیدات و تکانه‌های داخلی و خارجی آسیب‌ناپذیر است.

- پیشرفته
- مردمی
- دانش‌بنیان



اقتصاد مقاومتی با [اتکای به قابلیت‌ها و ظرفیت‌های داخلی] [استفاده از فرصت‌های بیرونی] نیازها و مشکلات اقتصادی را رفع می‌کند و با تحریم‌ها و تهدیدات دشمنان به زانو در نمی‌آید.

– استقلال اقتصادی –

وابسته نبودن اقتصاد ملی به اقتصادهای بیگانه را می‌توان معادل استقلال اقتصادی دانست. اما استقلال اقتصادی به معنای قطع ارتباط با کشورهای دیگر نیست. هر کشوری برای پیشرفت، به تعامل منطقی با کشورهای دیگر نیاز دارد؛ مهم آن است که این تعامل مقتدرانه و از روی تدبیر باشد.

♦♦ درس ۱۱: رشد و پیشرفت اقتصادی ♦♦

– تکاپو برای پیشرفت –

ویژگی‌ها و خصوصیات کشورهای پیشرفته	(۱) معمولاً درآمد و تولید بالایی دارند. (۲) درآمدها به صورت عادلانه‌تری توزیع شده است. (۳) تعداد بیکاران این کشورها کم است. (۴) در برابر شوک‌های اقتصادی، قدرت مقاومت دارند. (۵) از ثبات نسبی قیمت‌ها و بازارها برخوردار هستند. (۶) در شرایط بحرانی می‌توانند نیازهای اولیه خودشان را تأمین و حتی مازاد آن را صادر کنند. (۷) از سطح سواد و بهداشت عمومی بالایی برخوردارند. (۸) روحیه اعتماد و همبستگی میان مردم برای تکاپو و تلاش اقتصادی، برجسته است. (۹) در سطح منطقه و جهان تأثیرگذارند. (۱۰) کشورهای قدرتمندی محسوب می‌شوند و بقیه روی آن‌ها حساب باز می‌کنند.
مهم‌ترین مؤلفه‌های پیشرفت اقتصادی	رشد اقتصادی شاخص‌های توسعه انسانی (نظیر بهداشت، سواد و امید به زندگی) شاخص توزیع عادلانه درآمد

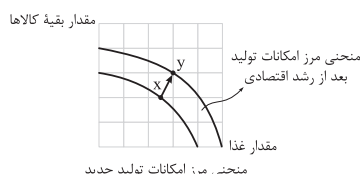
– رشد اقتصادی –

اگر در جامعه‌ای میزان واقعی تولید در دوره‌ای معین نسبت به دوره قبل افزایش یابد، رشد در آن جامعه صورت گرفته است.

- رشد به معنای: افزایش تولید است؛ در نتیجه رشد یک مفهومی کمی است.
- یک منشأ رشد اقتصادی، افزایش در منابع است. به عنوان مثال:
 - ◀ عرضه نیروی کار با: رشد جمعیت در طول زمان افزایش می‌یابد.
 - ◀ سرمایه‌های فیزیکی با: سرمایه‌گذاری در کارخانه‌ها، ساختمان‌ها، ماشین‌آلات و مغازه‌ها افزایش می‌یابند.
 - ◀ سرمایه انسانی با: آموزش افزایش می‌یابد.
- با منابع در دسترس بیشتر، یک کشور می‌تواند کالا و خدمات بیشتری تولید کند.

– بررسی رشد با الگوی مرز امکانات تولید –

- برای نشان دادن تأثیرات رشد اقتصادی، می‌توانیم از الگوی مرز امکانات تولید استفاده کنیم.
- نمودار صفحه بعد، نشان‌دهنده مرز امکانات تولید یک کشور است. محور افقی نشان‌دهنده مقدار غذای تولیدشده در کشور (همه انواع غذاها) و محور عمودی نشان‌دهنده همه مقادیر از کالاهای دیگر (یعنی همه کالاهای و خدمات به جز غذا) است.
- فرض کنیم ابتدا کشور تولید در نقطه X را انتخاب می‌کند.
 - ◀ واضح است که مردم برای دستیابی به سلامتی و رفاه بیشتر، مقدار بیشتری از غذا و سایر کالاهای را می‌خواهند. اگر کشور با صرفه‌جویی، سرمایه‌گذاری بیشتری انجام دهد، با گذشت زمان ظرفیت تولیدی کشور توسعه می‌یابد و در نتیجه مرز امکانات تولید به سمت بالا منتقل می‌شود. (نمودار سمت راست)
 - ◀ رشد اقتصادی به کشور امکان می‌دهد تا غذا و کالاهای دیگر بیشتر و بیشتری را تولید و مصرف کند.



سؤال چرا رشد اقتصادی یک هدف مشترک است؟

پاسخ زیرا کشور را قادر می‌سازد تا (۱) کالاها و خدمات بیشتری تولید کند و (۲) گام مؤثری برای تأمین نیازها و خواسته‌های شهروندان خود بردارد. وقتی اقتصاد رشد می‌کند، کشور می‌تواند از هر چیزی مقدار بیشتری تولید کند.

چگونه رشد اقتصادی را اندازه‌گیری کنیم؟ (تولید ناخالص داخلی) -

تنها ارزش کالاها و خدمات نهایی تولیدشده در یک سال تقویمی (از اول فروردین تا پایان اسفند) در محاسبه تولید ناخالص داخلی در نظر گرفته می‌شود. اقلام باقی‌مانده از سال قبل (یعنی چیزهایی که در یک سال تولید و در سال بعد فروخته می‌شوند) در محاسبات تولید ناخالص داخلی منظور نمی‌گردند.

تولید ناخالص داخلی، ارزش پولی کالا و خدماتی است که در داخل مرزهای یک کشور (صرف نظر از این که چه شهروندی آن را تولید کرده است، حتی اگر بخشی از این تولید متعلق به خارجی‌های مقیم کشور باشد) تولید می‌شود.

● تولید ناخالص داخلی یک کشور (GDP) ارزش پولی همه کالاها و خدمات نهایی تولیدشده در داخل مرزهای یک کشور در طول یک سال است.

برای محاسبه تولید ناخالص داخلی، فقط باید ارزش کالاها و خدمات نهایی (نه محصولات واسطه‌ای) را در نظر بگیریم. ارزش کالاها و خدمات واسطه‌ای در تولیدات نهایی محاسبه شده است و اگر آن‌ها را هم جداگانه محاسبه کنیم، دچار خطای محاسبه مجدد شده‌ایم.

برای اندازه‌گیری هر چیزی که تولید شده است، نیاز به یک واحد مشترک داریم. می‌توانیم همه کالاها و خدمات تولیدشده را (صرف نظر از ابعاد، اندازه و وزن) به ارزش پولی که از بازار به‌دست‌آمده برگردانیم و آن‌ها را جمع کنیم.

تولید فقط محدود به تولید کالاهای ملموس مانند توپ و لبنیات نیست، بلکه خدماتی مانند خدمات لوله‌کشی، خلبانی هواپیما، رانندگی کامیون و معاینه پزشکی را نیز شامل می‌شود و باید در محاسبه ما لحاظ شود.

Gross Domestic Product = GDP = (تولید ناخالص داخلی)

● از آن‌جا که هر تولید داخلی، درآمدی را برای تولیدکنندگان آن ایجاد کرده است، می‌توان درآمد داخلی را معادل تولید داخلی دانست.

درآمد داخلی = $\frac{\text{درآمد داخلی}}{\text{جمعیت کشور}}$

● درآمد داخلی = مجموع درآمدهایی است که در طول سال برای کشور به دست می‌آید.

نکته

در کنار شاخص تولید (درآمد) ناخالص داخلی، اقتصاددانان گاهی از شاخص تولید (درآمد) ملی (GNP) استفاده می‌کنند.

◀ شاخص تولید (درآمد) ملی (GNP) = ارزش کلیه کالاها و خدمات نهایی که توسط مردم یک کشور در طول یک سال (چه ساکن در داخل و چه ساکن در خارج از کشور) تولید می‌شود. (در این‌جا تولید خارجی‌های مقیم کشور محاسبه نمی‌شود.)

Gross National Product = GNP = (تولید ناخالص ملی)

سهم تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند + تولید خارجی‌ان مقیم کشور - تولید ناخالص داخلی = تولید ناخالص ملی

مواردی که در تولید ناخالص داخلی محاسبه نمی‌شوند -

- ۱ کار بدون دستمزد: کارهایی که پولی برای آن‌ها رد و بدل نمی‌شود. مانند: کارهای خانه، خدمات داوطلبانه ارائه‌شده در خیریه‌ها
- ۲ خرید و فروش کالاهای دست دوم، مانند: خودرو، مبلمان یا خانه (این قبیل کالاها زمانی که برای اولین بار تولید و فروخته شده‌اند، به حساب آمده‌اند.)
- ۳ تولیدات اقتصاد زیرزمینی، غیرقانونی و قاچاق: اطلاعات دقیقی از این فعالیت‌ها در دست نیست و عملاً محاسبه آن‌ها مشروعیت بخشی به آن‌ها تلقی می‌شود.

محاسبه تولید ناخالص داخلی و نرخ رشد آن -

● تولید ناخالص داخلی عبارت است از ارزش پولی تمام کالاها و خدمات نهایی که در داخل محدوده مرزهای جغرافیایی یک کشور (چه توسط افراد کشور که در داخل ساکن هستند، چه توسط خارجی‌های مقیم آن کشور) در طول یک سال تولید می‌شود.

● برای آن که بدانیم تولیدات سال جاری نسبت به سال قبل، چه میزان رشد داشته است، از فرمول زیر استفاده می‌کنیم:

$$\%100 \times \frac{\text{تولید ناخالص داخلی سال قبل} - \text{تولید ناخالص داخلی سال جاری}}{\text{تولید ناخالص داخلی سال قبل}}$$

● مهم‌ترین دلیل اندازه‌گیری تولید ناخالص داخلی: نظارت بر تغییرات تولید در طول زمان

بررسی یک مشکل -

● قیمت کالاها و خدماتی که تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهند به طور مداوم در حال تغییر است. به عنوان مثال، اگر در سال جاری ۱ میلیون خودرو، هر یک به ارزش ۵۰ میلیون تومان تولید شده باشد، داریم:

هزار میلیارد تومان ۵۰ = (میلیون خودروی تولیدشده) ۱ × (میلیون تومان) ۵۰ = مجموع تولیدات خودرو برای سال جاری



● اگر سال بعد، همان یک میلیون خودرو تولید شود اما قیمت متوسط خودرو به ۶۰ میلیون تومان افزایش یابد، خواهیم داشت:

هزار میلیارد تومان $60 = (\text{میلیون خودرو}) \times 1 \times (\text{میلیون تومان}) = 60$ = مجموع تولیدات خودرو در سال جدید

● حال اگر نتیجه شود تولید کشور به میزان ۱۰ هزار میلیارد تومان (۵۰-۶۰) افزایش داشته است، نادرست است؛ چراکه تنها قیمت‌ها تغییر کرده و میزان تولید ثابت مانده است. اقتصاددانان برای حل این مشکل راه‌حلی دارند: قیمت‌های محاسباتی باید در سالی که به آن سال پایه گفته می‌شود، ثابت فرض شوند؛ در این حالت اثرات انحرافی تغییر قیمت بر محاسبه تولید، حذف و تولید واقعی اندازه‌گیری می‌شود. برای حل مسائل، این دو فرمول زیر را به خاطر بسپارید:

ارزش تولید کل در سال پایه - ارزش تولید کل در آن سال به قیمت ثابت = میزان افزایش تولید کل ناشی از افزایش میزان تولید در یک سال

ارزش تولید کل در همان سال به قیمت ثابت - ارزش تولید کل در آن سال به قیمت جاری = میزان افزایش تولید کل ناشی از افزایش قیمت‌ها (تورم) در یک سال

معمولاً از نمودارهای رشد تولید ناخالص داخلی، برای نشان دادن رشد اقتصادی کشورها استفاده می‌شود.

- شاخص‌های دیگر اندازه‌گیری پیشرفت اقتصادی -

- شاخص‌های مربوط به رشد کمی اقتصاد و افزایش تولید ناخالص به تنهایی نمی‌توانند نشان‌دهنده میزان پیشرفت یک کشور باشند.
- پیشرفت کشور فقط محدود به رشد کمی (یعنی افزایش تولید ناخالص داخلی) نیست.
- اگر کشوری از لحاظ میزان درآمد و تولید ناخالص داخلی، وضعیت مطلوبی داشته باشد، این به این معناست که:
 - ◀ کشور در زمینه رشد ثروت، پیشرفت خوبی داشته است.
- برای نشان دادن وضعیت نابرابری در اقتصاد از شاخص‌های گوناگونی مانند «شاخص دهک‌ها» استفاده می‌شود.

- شاخص دهک‌ها -

- یکی از شاخص‌های سنجش وضعیت توزیع درآمد است.
- از این شاخص در برخی گزارش‌های اقتصادی، به منظور نشان دادن پیشرفت‌هایی که در زمینه عدالت اقتصادی روی داده است، استفاده می‌شود.
- برای محاسبه این شاخص:
 - ۱) مردم کشور را به ده گروه جمعیتی مساوی تقسیم می‌کنند.
 - ۲) در این طبقه‌بندی، سطح درآمد از کم‌ترین به بیشترین مدنظر قرار می‌گیرد.
 - ۳) گروه اول که ۱۰ درصد اولیه جمعیت را تشکیل می‌دهند، کم‌ترین درصد درآمد ملی و ۱۰ درصد آخر، بیشترین درصد درآمد ملی را دارند.
 - ۴) سهم هر دهک از سهم دهک ماقبل خود بزرگ‌تر یا مساوی و از سهم دهک بعدی کوچک‌تر یا مساوی خواهد بود.
 - ۵) مجموع سهم تمامی دهک‌ها برابر با ۱۰۰ خواهد بود.
- آمارهای مربوط به سهم این دهک‌ها در جامعه، چگونگی توزیع درآمد را نشان می‌دهد.

- وضعیت توزیع درآمد -

سهم دهک دهم = شاخص وضعیت توزیع درآمد
سهم دهک اول

- هر چه این نسبت بیشتر باشد، توزیع درآمد در آن جامعه نامناسب‌تر است و بالعکس.
- گاهی درآمدهای مردم برای به دست آوردن شاخص دهک‌ها، قابل ثبت نیست.
- به همین دلیل اقتصاددانان برای به دست آوردن اختلاف درآمدی، اختلاف هزینه‌ای را محاسبه می‌کنند. (در این حالت هزینه خانوار نماینده درآمد آن است.)

- شاخص توسعه انسانی (HDI) -

- یکی از شاخص‌های رایج جهانی برای اندازه‌گیری پیشرفت اقتصادی کشورهای گوناگون است.
- مؤلفه‌هایی نظیر: ۱) میزان امید به زندگی در بدو تولد ۲) میانگین سال‌های تحصیل ۳) سرانه درآمد ناخالص ملی ۴) شاخص‌های نابرابری، تشکیل‌دهنده شاخص توسعه انسانی است.
- مؤلفه‌هایی نظیر: ۱) نرخ باروری ۲) نابرابری‌های جنسیتی ۳) دسترسی به آب آشامیدنی سالم ۴) بهداشت عمومی ۵) شاخص‌های فقر ۶) شاخص‌های پایداری محیطی (مانند: انرژی‌های تجدیدشونده و فسیلی، کاهش آلاینده‌های محیط زیست و گازهای گلخانه‌ای، نقصان منابع طبیعی و تغییرات نواحی جنگلی) در گزارش‌های توسعه انسانی منعکس می‌شوند.
- شاخص توسعه انسانی ترکیبی از: ۱) معیارهای اندازه‌گیری رشد اقتصادی (همان رشد تولید ناخالص داخلی) ۲) معیارهای اندازه‌گیری نابرابری درآمدی ۳) سایر شاخص‌ها نظیر شاخص امید به زندگی، میزان سواد و یا شاخص‌های مربوط به بهداشت ۴) شاخص‌های نابرابری، است.
- در گزارش توسعه انسانی، ایران در رتبه ۶۵ است. (جزء کشورهای با توسعه‌یافتگی بالا به شمار می‌رود.)

شاخص توسعه انسانی (HDI)	امید به زندگی در بدو تولد	سالهای تحصیلی مورد انتظار	میانگین سالهای تحصیلی	درآمد ناخالص ملی سرانه (GNI)	رتبه HDI
ارزش	سال	سال	سال	دلار PPP	
۲۰۱۸	۲۰۱۸	۲۰۱۸	۲۰۱۸	۲۰۱۸	۲۰۱۷
رتبه بندی HDI					
توسعه انسانی بسیار بالا					
۱	۸۲/۳	۱۸/۱	۱۲/۶	۶۸/۵۹	۱
۲	۸۳/۶	۱۶/۲	۱۳/۴	۵۹/۳۷۵	۲
۳	۸۲/۱	۱۸/۸	۱۲/۵	۵۵/۶۶۰	۳
۴	۸۱/۲	۱۷/۱	۱۴/۱	۴۶/۹۴۶	۴
۵	۸۴/۷	۱۶/۵	۱۲/۰	۶۰/۲۲۱	۵

شاخص توسعه انسانی (HDI)	امید به زندگی در بدو تولد	سالهای تحصیلی مورد انتظار	میانگین سالهای تحصیلی	درآمد ناخالص ملی سرانه (GNI)	رتبه HDI
ارزش	سال	سال	سال	دلار PPP	
۲۰۱۸	۲۰۱۸	۲۰۱۸	۲۰۱۸	۲۰۱۸	۲۰۱۷
رتبه بندی HDI					
توسعه انسانی بسیار بالا					
۶۳	۷۵/۸	۱۴/۸	۱۱/۲	۱۵/۲۱۸	۶۵
۶۳	۷۳/۴	۱۳/۰	۱۱/۰	۲۸/۴۹۷	۶۳
۶۵	۷۶/۵	۱۴/۷	۱۰/۰	۱۸/۱۶۶	۶۳
۶۶	۷۴/۹	۱۵/۰	۰۹/۴	۲۲/۷۲۴	۶۶

الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی -

● گرچه شاخص های توسعه انسانی در کنار شاخص های رشد تولید، تصویر مناسبی از پیشرفت یک کشور ارائه می کنند، اما به دلایل زیر، این تصویر از پیشرفت، کامل نیست:

۱) شاخص های دیگری مانند: مبارزه با فساد، بهبود فضای کسب و کار، رشد علم و فناوری، موضوعات محیط زیستی و پیشرفت های فرهنگی و معنوی، در نظر گرفته نمی شوند.

۲) تفاوت های بومی، محلی، تاریخی، فرهنگی و عقیدتی کشورها در تعیین شاخص های پیشرفت در نظر گرفته نمی شوند.

مثال ۱: ارزش های اجتماعی - اقتصادی جامعه ما با جوامع اروپایی، آمریکایی یا چینی یکسان نیستند.

مثال ۲: تنوع ارزش ها و آداب و رسوم در شاخص های پیشرفت یک کشور خود را نشان نمی دهد.

مثال ۳: اهمیت عدالت اقتصادی و اجتماعی برای کشورهای مختلف (مثلاً کشور ما با کشورهای سرمایه دار غربی) یکسان نیست.

مثال ۴: نگاه ما به زندگی با نگاه مثلاً ژاپنی ها به زندگی انسان ها تفاوت دارد.

● رشد و توسعه بخشی از پیشرفت کشور ماست، اما همه آن نیست.

● برخی از کشورها و سازمان های بین المللی در طول سده های گذشته برای تحمیل الگوها و سبک زندگی غربی، از شاخص های توسعه و هم چنین نهادهایی که ظاهراً با هدف توسعه اقتصادی به وجود آمده اند، استفاده کرده اند.

● در کشور ما:

◀ تلاش هایی در جهت استقرار نظام اقتصادی اسلام صورت گرفته است. (اما هم چنان نهادهای سرمایه داری، در جهت انباشت ثروت در دست عده ای محدود و توزیع ناعادلانه آن فعالیت دارند).

◀ اندیشمندان کشور ما، به فکر دستیابی به یک الگوی بومی برای پیشرفت هستند. (الگویی که با شرایط فرهنگی، اقلیمی و تاریخی کشور سازگار باشد و بتواند راه روشنی را پیش پای مردم قرار دهد).

● الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی: آغاز حرکتی مستمر و بلندمدت برای دستیابی به یک الگوی پیشرفت بومی است که با فرهنگ ما سازگاری داشته باشد.

